



مرجع تخصصی عرضه آنلاین کتاب

www.ketabonline.ir



قواعد



به جملات زیر دقت کنید:

• من امروز حتماً استراحت می‌کنم.
 ← کلمه «حتماً» بر «استراحت کردن من» تأکید می‌کند.

• دوستانم بلند درس می‌خوانند.

← کلمه «بلند» بیانگر چگونگی و حالت «درس خواندن» است.

• دشمن از ما حقیقتاً می‌ترسد. ← «حقیقتاً» بر اتفاق افتادن فعل تأکید می‌کند.

• چرا تو آرام حرف می‌زنی؟ ← «آرام» بیانگر چگونگی و حالت وقوع فعل است.

کلماتی که به آن‌ها اشاره کردیم به نوعی قید فعل هستند: یعنی با فعل جمله

سر و کار دارند، یا بر اتفاق افتادن آن تأکید می‌کنند یا می‌گویند فعل چگونه و

با چه کیفیتی اتفاق می‌افتد. این وظیفه در زبان عربی به عهده مفعول مطلق است:

پس مفعول مطلق همان قید فعل است. حال سؤال اصلی این است که مفعول

مطلق چه ویژگی‌ای دارد و در چه جملاتی می‌آید؟ برای داشتن مفعول مطلق،

یک جمله فعلیه می‌خواهیم که بعد از فعل و اجزای جمله (فاعل، مفعول و...)،

مصدر منصوب همان فعل بیاید: یعنی هم‌ریشه با آن فعل باشد.

فرمول مفعول مطلق: «فعل + فاعل ... مصدر فعل»

مثال: **تُكَلِّمُ الْمَدِيرَ تَكْلِماً.** ← با مدیر قطعاً حرف می‌زنیم.

فعل و فاعل مفعول مطلق

• **طَالَعُونَ الْمَقَالَاتِ مُطَالَعَةً دَقِيقَةً.** ← مقاله‌ها را دقیق مطالعه می‌کنید.

فعل و فاعل مفعول مطلق صفت

پس برای داشتن مفعول مطلق، وجود یک فعل و یک اسم (مصدر)

هم‌ریشه با آن فعل، ضروری است.

(هفتر ۹۴)

🔍 **تست نمونه: عین ما لیس فیہ المفعول المطلق:**

۱) أَطْعَمَ اللَّهُ عِبَادَهُ مِنْ كُلِّ مَا خَلَقَ لَهُمْ مُشْفَقاً عَلَيْهِمَا

۲) كُنَّا نَشْكُرُ الْمَعْلَمَ فِي حَفْلَةِ تَكْرِيمِ يَوْمِ الْمَعْلَمِ شُكْرًا!

۳) يُحَسِّنُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الْآخِرِينَ إِحْسَانًا مَنْ يَعْلَمُ عَاقِبَتَهَا

۴) قَدْ حَصَلَ الْعِلْمُ عَلَى حَقَائِقِ حَصُولًا لَمْ يَحْصُلْ عَلَيْهِ أَحَدًا

پاسخ: در این گزینه «مُشْفَقاً» اسم فاعل و حال است و اصلاً دو کلمه هم‌ریشه

نداریم. بنابراین گزینه «۱» درست است: ولی در سایر گزینه‌ها مفعول مطلق

داریم: «نَشْكُرُ ... شُكْرًا، يُحَسِّنُ ... إِحْسَانًا، حَصَلَ ... حَصُولًا».

• **عین ما لیس فیہ المفعول المطلق:**

۱) تَمَامُ الْبِرِّ أَنْ تَعْمَلَ فِي السِّرِّ عَمَلُ الْعَلَانِيَةِ!

۲) وَ اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا!

۳) كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ يَدْعُونَ زَعْبًا وَ زَهَبًا!

۴) مَتَى يَتَحَرَّزَ الْمُجْتَمَعُ تَحَرُّزًا حَقِيقِيًّا مِنَ الْعِبُودِيَّةِ!

پاسخ: مصدر هم‌جنس با فعل جمله نداریم. بنابراین گزینه «۳» درست است.

در سایر گزینه‌ها مفعول مطلق داریم: «تَعْمَلُ ... عَمَلٌ، اهْجُرْ ... هَجْرًا، يَتَحَرَّزُ ... تَحَرُّزًا».

بعد از آشنایی کلی با مفعول مطلق، باید با انواع مفعول مطلق و کاربردهای آن آشنا شویم.

• مفعول مطلق به دو دسته تقسیم می‌شود و دو کاربرد متفاوت دارد:

۱ مفعول مطلق تأکیدی

مصدر منصوب فعل جمله است که بر وقوع فعل جمله تأکید می‌کند و تنها (یعنی بدون صفت و مضاف‌الیه و جمله وصفیه) بعد از فعل می‌آید و همواره تنوین دارد.

مثال: **يَهْبُطُ عَلَيَّ ذَهَابًا.** ← علی حتماً می‌رود.

فعل فاعل مفعول مطلق تأکیدی

• **اسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتِغْفَارًا.** ← از خداوند قطعاً طلب بخشش کردم.

فعل و فاعل مفعول مطلق تأکیدی

• **نَجْتَهِدُ اجْتِهَادًا.** ← قطعاً تلاش می‌کنیم.

فعل و فاعل مفعول مطلق تأکیدی

این سه تارو با ریتم به‌خاطر بسپارید: «تأکیدی، تنها، تنوین»

۲ مفعول مطلق نوعی (بیانی)

مصدر فعل جمله به همراه صفت یا مضاف‌الیه یا جمله وصفیه، بعد از فعل می‌آید و چگونگی انجام فعل را مطرح می‌کند.

مثال: **صَبَرَ الْمُؤْمِنُ صَبْرًا حَسَنًا.** ← مؤمن به نیکی (خوب) صبر کرد.

فعل فاعل مفعول صفت

مطلق نوعی

• **صَبَرَ الْمُؤْمِنُ صَبْرَ أَيُّوبَ.** ← مؤمن مانند ایوب صبر کرد.

فعل فاعل مفعول م. الیه

مطلق نوعی

مفعول مطلق نوعی به همراه مضاف‌الیه بیانگر تشبیه است.

• **صَبَرَ الْمُؤْمِنُ صَبْرًا لَا يُوصَفُ.** ← مؤمن به گونه‌ای صبر کرد که

فعل فاعل مفعول جمله وصفیه

مطلق نوعی وصف نمی‌شد.

جمله وصفیه، جمله‌ای است که بعد از اسم نکره می‌آید و

آن را توصیف می‌کند.

مثال: **جَاءَ رَجُلٌ يَضْحَكُ.** ← مردی که می‌خندید آمد.

نکره جمله وصفیه

شیر خشک



(ریاضی ۹۸)

🔍 **تست نمونه: عین المصدر لا یُبین نوع الفعل:**

۱) يَا أَصْدِقَاءُ أَوْفُوا بَعْدَكُمْ وَفَاءً جَمِيلًا!

۲) شَجَعْنَا أَصْدِقَاءَنَا فِي الْمَسَابَقَةِ تَشْجِيعًا كَثِيرًا!

۳) إِنْ كُنْتَ تَلْمِيزُنَا عَاقِلًا فَلَا تُضَيِّعْ أَوْقَاتَكَ تَضْيِيعًا!

۴) إِنَّ الْعَطَارَ يَشْمُ رَائِحَةَ الْمَسْكِ شَمًّا دَقِيقًا وَ يَعْرِفُهُ!

پاسخ: «لَا تُضَيِّعْ» فعل و «تَضْيِيعًا» مصدر آن است که تنها آمده: پس مفعول

مطلق تأکیدی است. بنابراین گزینه «۳» درست است.

مفعول مطلق نوعی در سایر گزینه‌ها: ۱) أَوْفُوا (فعل)، وفاء

(مصدر)، جمیلًا (صفت) ۲) شَجَعْنَا (فعل)، تشجیعًا (مصدر)، کثیرًا (صفت)

۳) یَشْمُ (فعل)، شَمًّا (مصدر)، دقیقًا (صفت)

ترجمه انواع مفعول مطلق

۱ **مفعول مطلق تأکیدی:** با قیدهای تأکیدی (حتماً، قطعاً، یقیناً، واقعاً، کاملاً، حقیقتاً و...) و در نزدیکی فعل ترجمه می‌شود.

مثال: تَابَ الْمَذْنِبُ تَوْبَةً. — گناهکار واقعاً (قطعاً) توبه کرد.

۲ **مفعول مطلق نوعی با مضاف‌الیه:** با قیدهای «مثل، مانند» ترجمه می‌شود.

مثال: جَلَسْتُ جُلُوسَ الْمُعَلِّمِ عَلَى الْكَرْسِ. — مثل معلم روی صندلی نشستم.

۳ **مفعول مطلق نوعی با صفت:** از خود صفت استفاده می‌کنیم و در این حالت، غالباً خود مصدر را ترجمه نمی‌کنیم.

مثال: صَبِرْنَا صَبْرًا جَمِيلًا. — به زیبایی (زیبا) صبر کردیم.

۴ **ترجمه مفعول مطلق نوعی با جمله وصفیه:**

الف. مصدر + ی + که + جمله وصفیه

ب. فعل + به گونه‌ای که + جمله وصفیه

مثال: خَافَ الرَّجُلُ خَوْفًا مَنَعَهُ.

الف. مرد ترسید، ترسیدنی که او را منع کرد.

ب. مرد به گونه‌ای ترسید که او را منع کرد. (مرد ترسید به گونه‌ای که او را منع کرد).

دوبینک

۱ دقت کنید که ترجمه مفعول مطلق حتماً قبل از فعل جمله قرار می‌گیرد نه در ابتدای جمله: مثلاً ترجمه «ذهب علی ذهاباً» «علی قطعاً رفت» است، نه «قطعاً علی رفت».

(این جمله معادل «إِنَّ عَلِيًّا ذَهَبَ» می‌باشد).

۲ اصولاً یادتان باشد مفعول مطلق تأکیدی روی فعل تأکید دارد ولی «إِنَّ» روی کل جمله تأکید می‌کند، پس مترادف هم نیستند.

مثال: يُصْبِرُ الْمُؤْمِنُ صَبْرًا. — مؤمن، حقیقتاً صبر می‌کند.

■ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُصْبِرُ. — قطعاً مؤمن صبر می‌کند.

■ يُعَلِّمُ الْآبُ وَلَدَهُ الْقُرْآنَ تَعْلِيمًا. — پدر به فرزندش قرآن را حقیقتاً می‌آموزد.

■ إِنَّ الْآبَ يُعَلِّمُ وَلَدَهُ الْقُرْآنَ. — به درستی که پدر به فرزندش قرآن را یاد می‌دهد.

انواع تأکیدات (مؤكدات)

به طور کلی موارد زیر در حیطه کنکور بیانگر تأکید هستند:

البته قبل از بررسی تأکیدات با اصطلاحات زیر آشنا شوید:

• **مؤكد، يؤكد، أكد:** تأکیدکننده، رکن تأکیدکننده

• **مؤكد، يؤكد، أكد:** تأکیدشونده، رکن مورد تأکید

۱ **إِنَّ** **تأکیدبر:** تمام جمله پس از خود **مثال:** إِنَّ الصَّادِقَ لَا يَكْذِبُ عَلَى النَّاسِ

مؤكد يؤكد (رکن مورد تأکید)

۲ **إِنَّمَا** **تأکیدبر:** رکن دورتر **مثال:** إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ.

مؤكد يؤكد

۳ **مفعول مطلق تأکیدی:** فعل جمله **مثال:** لَا تَعْتَمِدْ عَلَى الْآخِرِينَ اعْتِمَادًا

مؤكد يؤكد

۴ **ساختار انحصار** **تأکیدبر:** کلمه بعد از «إِلَّا» **مثال:** لَنْ نَسْتَشِيرَ إِلَّا الْعَاقِلَ.

مؤكد يؤكد

۵ **لَ** **تأکیدبر:** کلمه یا جمله بعدش **مثال:** لَوْ سَافَرْتُمْ لَكُنْتُمْ نَاشِطِينَ.

مؤكد يؤكد

۶ **لَا، نَفِي جِنْس** **تأکیدبر:** اسم بعدش **مثال:** لَا هِدَايَةَ فِي طَرِيقِكُمْ.

مؤكد يؤكد

۱ **مفعول مطلق تأکیدی:** در جمله منفی را می‌توان یا قید «هرگز» ترجمه کرد.

مثال: لَا أَخَافُ مِنَ الظَّالِمِ خَوْفًا. — از ستمگر هرگز نمی‌ترسم.

• عَيْنُ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ لِلنَّوْعِ:

۱) لی طالبان ثرثان القرآن ترتيلاً يؤثر في قلوبنا!

۲) ندعو الله أن تتحقق آمالنا في بناء مجتمعنا تحقّقاً!

۳) كأنّ شبابنا أسودّ هاجموا العدوّ مهاجمة!

۴) اللهم! وقفنا لرعاية حقوق ذي الحقّ توفيقاً!

پاسخ: «ثرثان» فعل، «ترتيلاً» مفعول مطلق نوعی و «يؤثر» صفت (جمله وصفیه) برای آن است. در سایر گزینه‌ها «تحققاً»، «مهاجمة» و «توفيقاً» مفعول مطلق تأکیدی هستند که تنها بدون صفت و مضاف‌الیه آمده‌اند. بنابراین گزینه ۱ درست است.

آقا اجازه



• شما گفتید که مفعول مطلق مصدر فعل هست، خوب ما مصادر فعل‌ها رو چطوری تشخیص بدیم؟

پاسخ: مصادر دو نوع هستند:

۱ **با قاعده یا ثلاثی مزید:** در درس‌های ۳ و ۴ سال دهم با باب‌های مزید آشنا شدیم و یاد گرفتیم که مصادر مزید همواره بر اساس قاعده و نظمی مشخص می‌آیند، مثلاً مصدر فعل‌هایی که در الگوی «أَفْعَل - يُفْعِل» هستند همواره بر وزن «إِفْعَال» می‌آیند و یا مصدر فعل‌هایی که بر وزن «إِفْعَل - يُفْعِل» هستند، همیشه «افْتَعَال» است. حواستان باشد که این نوع مصادر در سؤالات مفعول مطلق نقش مهمی را ایفا می‌کنند، پس آن‌ها را به خوبی مرور کنید.

۲ **حفظی، بی قاعده یا سماعی:** این مصدرها را تا امروز از شما نخواستند و احتمال بسیار زیاد بعداً هم نخواهند خواست: چون دارای قانون و قاعده نیستند و باید از قبل آن‌ها را دیده باشید و بدانید که مثلاً مصدر «ذَهَبَ» می‌شود «ذهاباً» و یا مصدر «نَصَرَ» می‌شود «نصراً»، پس نیازی به حفظ کردن این مصدرها نیست، ولی برای جمع شدن خیالتان مهم‌ترین مصدرهای بی قاعده را در ادامه می‌آوریم.

مرور انواع مصدر

۱ **مصدرهای مزید (باقاعده):** هشت گروه هستند:

ماضي	فَعَّلَ	فَعَّلَ	فَاعَلَ	تَفَاعَلَ	إِفْعَلَ	إِفْعَلَ	إِسْتَفْعَلَ
مضارع	يُفَعِّلُ	يُفَعِّلُ	يُفَاعِلُ	يَتَفَاعَلُ	يُفْعِلُ	يُفْعِلُ	يُسْتَفْعِلُ
مصدر	إِفْعَال	تَفَاعُل	مُفَاعَلَة (فَعَال)	تَفَاعُل	تَفَاعُل	إِفْتِعَال	إِسْتِفْعَال

۲ **مصدرهای معروف ثلاثی مجرد:** حفظ این موارد ضروری نیست، اما خوب است که پر تکرارترین مصدرهای ثلاثی مجرد را ببینید:

ماضي	مضارع	مصدر	ماضي	مضارع	مصدر
كَتَبَ	يَكْتُبُ	كِتَابَة	هَجَمَ	يَهْجُمُ	هُجُومًا
نَصَرَ	يَنْصُرُ	نَصْرًا	ذَهَبَ	يَذْهَبُ	ذَهَابًا
خَرَجَ	يَخْرُجُ	خُرُوجًا	قَالَ	يَقُولُ	قَوْلًا
لَعِبَ	يَلْعَبُ	لَعِبًا	ذَكَرَ	يَذْكُرُ	ذِكْرًا
جَلَسَ	يَجْلِسُ	جُلُوسًا	خَافَ	يَخَافُ	خَوْفًا
صَبَرَ	يَصْبِرُ	صَبْرًا	تَلَا	يَتْلُو	تِلَاوَةً
فَرَسَ	يُفْرِسُ	فَرْسًا	رَغِبَ	يَرْغَبُ	رَغْبَةً
حَضَلَ	يَحْضُلُ	حُصُولًا	عَاشَ	يَعِيشُ	عِيشًا
بَاعَ	يَبِيعُ	بَيْعًا	دَعَا	يَدْعُو	دَعْوَةً
شَكَرَ	يَشْكُرُ	شُكْرًا	تَزَلَّ	يَتَزَلُّ	تَزُولًا
عَمَلَ	يَعْمَلُ	عَمَلًا	عَرَفَ	يَعْرِفُ	مَعْرِفَةً
لَجَعَ	يَلْجَأُ	لُجَا حًا	وَقَفَ	يَقِفُ	وُقُوفًا
وَضَلَ	يَضِلُّ	وُضُولًا	رَجَا	يَرْجُو	رَجَاءً
فَتَحَ	يُفْتَحُ	فَتْحًا	طَارَ	يَطِيرُ	طَيْرَانًا
نَامَ	يَنَامُ	نَوْمًا	ظَلَمَ	يَظْلِمُ	ظُلْمًا
سَعَى	يَسْعَى	سَعْيًا	دَرَسَ	يَدْرُسُ	دِرَاسَةً
قَرَأَ	يَقْرَأُ	قِرَاءَةً	دَخَلَ	يَدْخُلُ	دُخُولًا
مَرَّ	يَمُرُّ	مُرُورًا	قَامَ	يَقُومُ	قِيَامًا



تست نمونه: عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ بَيَانٌ لِلْفِعْلِ:

- (۱) تَحَصَّنَ عَلَى صَحَّةِ الْفِكْرِ حَصُولًا كَامِلًا!
 - (۲) فَهَمَ الطَّلَابُ أَنْ يَقْتَرِبَ النِّجَاحَ مِنْهُمْ اقْتِرَابًا تَامًا!
 - (۳) نَشَكَرَ النَّبِيُّ شُكْرًا وَهُوَ يَرِشِدُنَا إِلَى الْحَقِّ!
 - (۴) وَاجَهْنَا مَدِيرَ الْمَدْرَسَةِ مُوَاجَهَةً الْأَبِ الرَّؤُوفِ!
- پاسخ:** بعد از مفعول مطلق نوعی صفت یا مضاف‌الیه می‌آید، ولی در گزینه (۳) بعد از «شکر» نه صفت آمده نه مضاف‌الیه، پس مفعول مطلق تأکیدی است. (حرف «و» رابطه را قطع کرده است.) در سایر گزینه‌ها به ترتیب «حصول» اقتراباً «مواجهه» مفعول مطلق نوعی یا بیانی هستند که با صفت (کاملاً، تاماً) یا مضاف‌الیه (الاب) آمده‌اند. بنابراین گزینه «۳» درست است.

- دقت کنید «فعل + مصدر» مفعول مطلق می‌سازد نه «اسم + اسم» یا «فعل + فعل» یا «اسم + فعل»، پس در عبارتهای زیر مفعول مطلق نداریم، چون کلمه اول فعل و دومی اسم نیست:
- مثال:** كَانَ صَبْرِي صَبْرًا جَمِيلًا. ← صبر من صبری نیکو بود.

اسم اسم
المُعْتَقِدُ بِاللَّهِ يَعْتَقِدُ بِأَنَّهُ حَسْبُهُ.

اسم فعل
← معتقد به خداوند ایمان دارد که او (خدا) برایش کافیست.

(هنر ۹۶)

تست نمونه: عَيْنِ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ:

- (۱) لِمَاذَا تَنْظُرُ إِلَيَّ نَظْرًا مَمْلُوءًا بِالتَّعَجُّبِ هَكَذَا!
 - (۲) سَاعُودُ عِنْدَ أَبِي مَعْتَذِرًا، وَأَنَا لَمْ أَعْتَذِرْ مِنْهُ حَتَّى الْآنَا!
 - (۳) كُنْتُ خَائِفًا مِنْ حَرَارَةِ الشَّمْسِ الشَّدِيدَةِ فِي هَذَا الْيَوْمِ الْحَارِّ!
 - (۴) الْيَوْمَ وُلِدْتُ مِنْ جَدِيدٍ لَمَّا تَعَلَّمْتُ مِنْكَ دَرْسًا جَدِيدًا لَنْ أَنْسَاهُ أَبَدًا!
- پاسخ:** «تنظر» فعل و «نظراً» مفعول مطلق نوعی و «مملوءاً» صفت است. در سایر گزینه‌ها فعل و مصدر هم‌ریشه نداریم. در گزینه (۲) «معتذراً» اسم است و «أعتذر» فعل (که «معتذراً» مصدر آن نیست) که مناسب مفعول مطلق بودن نیست. در گزینه (۳) «حرارة» و «الحار» هر دو اسم‌اند. در گزینه (۴) «جدید» اسم است و دو بار آمده. بنابراین گزینه «۱» درست است.

عَيْنِ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ:

- (۱) قُسِمَتِ الصَّلَاةُ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ رَبِّهِ إِلَى نِصْفَيْنِ،
 - (۲) نَضَفْتُهَا لِلْعَبْدِ وَنَضَفْتُهَا لِلرَّبِّ، فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ:
 - (۳) «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» يَقُولُ اللَّهُ: حَقَمْتُ عِبْدِي وَ...
 - (۴) فَهَكَذَا يُجِيبُ اللَّهُ عَبْدَهُ عِنْدَ الصَّلَاةِ إِجَابَةً جَمِيلَةً!
- پاسخ:** «يُجِيبُ» فعل، «إجابة» مفعول مطلق نوعی و «جميلة» صفت است. دقت کنید در گزینه‌های (۲) و (۳) «نصف» اسم است و دو بار آمده و «الحمد» اسم است و «حقمت» فعل، ولی ما برای ایجاد مفعول مطلق به «فعل + اسم» نیاز داریم. بنابراین گزینه «۴» درست است.

- مفعول مطلق حتماً بی «ال» و مصدر است، بنابراین اسم‌های «م» دار مثل «مؤمن، مسلم، محمّد، معلّم» که اسم فاعل یا اسم مفعول هستند، نمی‌توانند مفعول مطلق باشند به‌جز وزن «مُفَاعَلَةٌ» یا کلمه «مُروّر» که مصدر هستند و می‌توانند مفعول مطلق شوند. درواقع اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، اسم تفضیل و اسم مکان هرگز مفعول مطلق نمی‌شوند.

مثال: سَافَرَتِ النِّسَاءُ مُسَافَرَةً / حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ مُحَاسِبَةً.

مفعول مطلق تأکیدی مفعول مطلق تأکیدی

- ۷ «لَا» نَهْيِ ← تأکید بر عدم وقوع فعل **مثال:** لَا تَمْتَنِعُوا عَنِ الرِّيَاضَةِ.

مُؤَكَّدٌ مُؤَكَّدٌ

- ۸ «لِ» امر ← تأکید بر وقوع فعل **مثال:** لِيَنْبَغِدْ عَنِ الْخَطَرِ.

مُؤَكَّدٌ مُؤَكَّدٌ

- ۹ «قَدْ» + ماضی ← تأکید بر وقوع فعل **مثال:** قَدْ أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ.

مُؤَكَّدٌ مُؤَكَّدٌ

- ۱۰ عدد ۲ و ۱ ← تأکید بر اسم قبلش **مثال:** هَذَانِ كِتَابَانِ اثْنَانِ.

مُؤَكَّدٌ مُؤَكَّدٌ

نسوزی

- ۱ در تأکیدکننده‌ها مفعول مطلق و عدد ۱ و ۲ اسم هستند، ولی «إِنَّ»، «لَ»، «لِ»، «لَا»، «إِنَّمَا»، «إِلَّا» و «قَدْ» حرف هستند.
- ۲ در دو حالت «مُؤَكَّد» بعد از «مُؤَكَّد» می‌آید: الف) مفعول مطلق تأکیدی ب) عدد «۱» یا «۲»



تست نمونه: عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَعْيِينِ الْمُؤَكَّدِ وَ الْمُؤَكَّدِ عَلَى التَّرْتِيبِ:

- (۱) إِنَّ الْجُنُودَ يُدَافِعُونَ عَنِ الْوَطَنِ! ← إِنَّ الْجُنُودَ يُدَافِعُونَ عَنِ الْوَطَنِ
- (۲) لَوْ اشْتَرَيْتَ بَيْتًا لَكُنْتُ أَمْوَالِك! ← كُنْتُ أَمْوَالِك، لَ
- (۳) أَثَرُ كَلَامِكَ عَلَى تَأْثِيرٍ! ← تَأْثِيرًا، كَلَام
- (۴) إِنْهَزِمِ الْأَعْدَاءُ إِنْهَزَامًا! ← إِنْهَزِمِ، إِنْهَزَامًا

پاسخ: بررسی گزینه‌ها: ۱) إِنَّ الْجُنُودَ يُدَافِعُونَ عَنِ الْوَطَنِ.

مُؤَكَّدٌ مُؤَكَّدٌ

- ۲) لَكُنْتُ أَمْوَالِك. ۳) أَثَرُ كَلَامِكَ عَلَى تَأْثِيرٍ. ۴) إِنْهَزِمِ الْأَعْدَاءُ إِنْهَزَامًا.

مُؤَكَّدٌ مُؤَكَّدٌ مُؤَكَّدٌ مُؤَكَّدٌ مُؤَكَّدٌ

بنابراین گزینه «۱» درست است.

نسوزی

- ۱ مضاف «ال»، «تنوین» و «نون» مثنی و جمع مذکر سالم نمی‌گیرد؛ پس مفعول مطلق که مضاف‌الیه دارد این سه مورد را نمی‌پذیرد.
- مثال:** عَاشَ الْمُؤْمِنُ الْعِيشَ الصَّالِحِينَ. ← غلط است، چون «عیش» مضاف است و بدون «ال» می‌آید (عیش الصالحین، درسته).
- ۲ أَذْكَرُ اللَّهِ ذَكَرًا الْمُتَّقِينَ. ← غلط است، چون «ذکر» مضاف است و باید بدون تنوین بیاید. (ذکر المتقین، درسته)



تست نمونه: أَنْتُمْ تُحْسِنُونَ إِلَى الْمَسَاكِينِ — الْمُتَّقِينَ:

عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ:

- (۱) حُسْنًا (۲) إِحْسَانًا (۳) إِحْسَانٍ (۴) إِحْسَانًا بِالْغَا
- پاسخ:** «الْمُتَّقِينَ» مضاف‌الیه است، پس «إِحْسَانٌ» که مضاف و مفعول مطلق نوعی است نباید تنوین بگیرد. «تُحْسِنُونَ» فعل مضارع از باب «إِفْعَال» است و مصدر آن هم بر وزن «إِفْعَال» می‌آید. بنابراین گزینه «۳» درست است.

- ۱ اگر بعد از مصدر، حروف «و، ف، ثَمَّ، بَلْ، لَ، لَكِنْ، حَتَّى» بیاید، مفعول مطلق، تأکیدی است، چون بعد از این حروف نه صفت می‌آید نه مضاف‌الیه نه جمله وصفیه. **مثال:** خَرَجْنَا خُرُوجًا فَجَاءَ عَلِيٌّ بَعْدَنَا.

فعل م.م.ت جمله جدید است نه وصفیه
و فاعل

- ۱ اگر سایر قطع‌کننده‌های رابطه (عندما، حينما، دون) هم بیایند، مفعول مطلق تأکیدی داریم.

مثال: ذَهَبْتُ ذَهَابًا عِنْدَمَا كُنتُ ذَاهِبًا.

گاهی حال به مفعول مطلق تأکیدی می‌چسبد که از نظر ظاهری شبیه صفت می‌شود. مراقب باشید آن را با صفت اشتباه نگیرید.

مثال: ذهب الرجل ذهباً قريحاً. ← مرد شاد است یا رفتنش؟ قطعاً مرد! پس «قريحاً» حال است و حالت اسم را مطرح می‌کند نه فعل و «ذهباً» مفعول مطلق تأکیدی.

■ صبر المؤمن صبراً مجاهداً. ← مؤمن جهادگر است یا صبرش؟ بله مؤمن، پس «مجاهداً» حال است و حالت اسم را مطرح می‌کند نه فعل و «صبراً» مفعول مطلق تأکیدی.

تست نمونه: عین ما ليس فيه تأكيد للفعل:

(۱) تلا القارئ القرآن تلاوةً حسنةً (۲) تدور عقرب الدقائق دورةً دائماً (۳) تحسنت حال أُمي صباح اليوم تحسناً! (۴) ابتعد عن المعاصي ابتعاداً خلتاً من العقاب

پاسخ: «تلا» فعل، «تلاوة» مفعول مطلق نوعی (که بر فعل تأکید نمی‌کند) و «حسنة» هم صفت آن است. بنابراین گزینه «۱» درست است.

بررسی سایر گزینه‌ها: «دوره» مفعول مطلق تأکیدی و «دائماً» قید زمان است. «تحسنت» فعل و «تحسناً» مفعول مطلق تأکیدی است. «ابتعاداً» مفعول مطلق تأکیدی و «خائف» (با ترس) حال است.

همان‌طور که گفتیم مفعول مطلق نوعی به همراه مضاف‌الیه بیانگر تشبیه است.

مثال: نَعْبُدُ اللَّهَ عِبَادَةً مُمِِّلَةً الْمُخْلِصِينَ
فعل و فاعل مفعول مطلق نوعی مبالیه
← خدا را مانند افراد مخلص عبادت می‌کنیم.

تست نمونه: عین ما فيه تشبيه حدوث الفعل:

(۱) لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا (۲) لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ (۳) وَقَفَ الْأَعْيُنُ بَعْدَ لَعِبِهِمْ وَقُوفًا لِلإِسْتِرَاحَةِ (۴) تَكَلَّمَ الْأُسْتَاذُ مَعَكُمْ تَكَلُّمًا لَا تَنْتَظِرُ ذَلِكَ

پاسخ: «أعطى» فعل، «إعطاء» مصدر (مفعول مطلق) و «الدليل» مضاف‌الیه است که بیانگر تشبیه است (مانند انسان پست به شما دست نمی‌دهم). گزینه (۱) مفعول مطلق ندارد. در گزینه‌های (۳) و (۴) مصادر «وقوفاً» و «تكلماً» هر دو مفعول مطلق تأکیدی هستند، چون بعد از آن‌ها صفت یا مضاف‌الیه ذکر نشده است. بنابراین گزینه «۲» درست است.

تمام تشبیهات در حیطة کنکور:

۱ مفعول مطلق نوعی با مضاف‌الیه ← گزونا تکریم الکبار
۱ مثل ← العلم مثل الماء للبشر.
۱ ک ← أنت كالصديق
۱ «کأن» به همراه دو اسم ← كأن السماء سقف مرفوع.
۵ فعل‌های «شبه» و «يشبه» و «أشبه» ← يشبهك أخوك

دوبینک
اگر کلمه «کیف» چگونه، «کیفیه» چگونگی از حالت اسم در جمله بپرسد. ← در پاسخ از حال استفاده می‌کنیم.
و اگر کلمه «کیف» کیفیت از حالت فعل یا مصدر جمله بپرسد. ← در پاسخ از مفعول مطلق نوعی استفاده می‌کنیم.

تست نمونه: عین الخطأ للفراغ لبيان كيفية وقوع الفعل: «ينظر العاقل إلى الأمور»

(۱) ناظر الحقيقة (۲) نظر المتأمل (۳) نظر الباحث (۴) نظرة دقيقة

پاسخ: «ناظر» اسم فاعل است نه مصدر و نمی‌تواند مفعول مطلق باشد. بنابراین گزینه «۱» درست است.

• عین المفعول المطلق:

(۱) أحسنتُ إلى ولدي المجتهدين مُحسنًا!
(۲) أحسن إلى الآخرين كما أحسنوا إليك مُحسنين!
(۳) إنا أحسنًا إلى المساكين إحسان الخالصين!
(۴) إن أحسن المؤمنين إيمانًا يعيش ويموت مؤمنًا!

پاسخ: بررسی گزینه‌ها: ۱ «مُحسنًا» اسم فاعل و حال است! ۲ «أحسنوا» فعل و «مُحسنين» اسم فاعل و حال می‌باشد. ۳ «إحسان» مفعول مطلق نوعی به همراه مضاف‌الیه «الخالصين» می‌باشد. ۴ «مؤمنًا» اسم فاعل و حال است. بنابراین گزینه «۳» درست است.

در تطابق فعل و مصدر دقت کنید که هر دو ثلاثی مجرد یا ثلاثی مزید از یک باب باشند. به عنوان مثال در سه جمله زیر مفعول مطلق به درستی نیامده و غلط است:

مثال: اجْتَهِدْ التَّلْمِيزَ مُجَاهِدَةً / يَذَرُ صَدِيقِي تَدْرِيسًا / أَقْبَلَ الشَّبَابُ عَلَيْكُمْ تَقْبُلًا.

افتعال مفاعلة ثلاثی مجرد ثلاثی مزید إفعال تفعیل

تست نمونه: عین المناسب للمفعول المطلق: «إنا نحن نزلنا عليك القرآن»

(۱) نزولاً - قولاً (۲) تنزیلاً - قولاً (۳) تنزیلاً - القول (۴) إنزالاً - مقالاً

پاسخ: «نزلنا» ماضی از باب «تفعیل» است و مصدر آن «تنزیلاً» درست است (رد ۱ و ۴)، مصدر فعل «يقول» «قولاً» است و «باطلاً» صفت آن است (رد ۳ و ۴): ضمناً مفعول مطلق هرگز «ال» ندارد (رد ۳). بنابراین گزینه «۲» درست است.

دوبینک

۱ اگر فعل و اسم منصوب بعدش هم‌ریشه بودند ولی هم‌مصدر نبودند مفعول عادی داریم نه مفعول مطلق. (مفعول عادی، یعنی همان مفعولی که در جواب چه کسی را؟ چه چیزی را؟ می‌آید)

مثال: أطعمت المساكين طعاماً. ← اگر «إطعاماً» بود، مفعول مطلق داشتیم.
فعل و فاعل مفعول ۱ مفعول ۲
■ دَرَسَ المَعْلَمُ درساً ← اگر «تدریساً» بود، مفعول مطلق داشتیم.
فعل فاعل مفعول

تست نمونه: عین ما ليس فيه المفعول المطلق:

(۱) اذكروا نعمة الله عليكم ذكراً، إذ جعل فيكم أنبياءاً
(۲) عَمَّ الرجل الطلاب علماء كثيراً للسعادة
(۳) أحب أن تناقشوا الموضوع مناقشة علمية
(۴) الشباب المخلصون يخدمون وطنهم خدمة جلية

پاسخ: «علماء» مفعول دوم است نه مفعول مطلق و مصدر «علم» «تعليم» است. در سایر گزینه‌ها «ذكر» مناقشة «مفعول مطلق هستند. بنابراین گزینه «۲» درست است.



کلمات کلیدی در صورت سؤال:

- سؤالاتی که مفعول مطلق تأکیدی می‌خواهند: التأكيد، التوكيد، الاسم المؤكد، الاهتمام والعناية على وقوع الفعل (حدوث الفعل، تحقق الفعل)، لا شك، لا تردّد، وقوعه حتمی، یُزِيلُ الشكّ، يرفع التردّد عن وقوع الفعل، الفعل المؤكّد، ليس متردّداً
- سؤالاتی که مفعول مطلق نوعی (بیانی) می‌خواهند: نوع الفعل، بیان الفعل، مثل، که تشبیه وقوع الفعل، کیفیت حدوث الفعل، كيف وقع (حدث)، یُبین نوع الفعل، حالة الفعل، مصدر یُمكن أن یُحذف فی الترجمة
- الحدوث = التحقق = الوقوع ← همگی مترادف هستند و به معنای «اتفاق افتادن» می‌باشند.

تست نمونه: مخاطب بَرِید آن یدرک کیفیت ذهاب الطالب فنقول له:

«ذهب الطالب!»
(انسانی ۹۰)
(۱) ذهاباً سریعاً (۲) سروراً کثیراً (۳) مسروراً (۴) ذاهباً
پاسخ: مخاطب می‌خواهد که چگونگی رفتن دانش‌آموز را بدانند، پس به او می‌گوییم: «دانش‌آموز رفت» در جای خالی به مفعول مطلق نوعی نیاز داریم (رد ۳ و ۴)، که باید با «ذهاب» هم‌ریشه باشد (رد ۲ و ۳). بنابراین گزینه «۱» درست است.

ترجمه گزینه‌ها:

۱ به سرعت ۲ شادی بسیاری ۳ شاد ۴ در حالی که می‌رفت

ترجمه و تحلیل متن درس «نظام الطبيعة: سیستم (نظم) طبیعت»

﴿هَذَا خَلَقَ اللَّهُ قَارُونَ مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ...﴾ لقمان: ۱۱

مبتدا خبر م. الیه فعل و فاعل مفعول فعل فاعل ج. م. الیه

ترجمه: این، آفرینش خداست، پس به من نشان دهید کسانی که غیر از اویند (او هستند)، چه آفریده‌اند؟

کالبدشکافی: «ن» در «قارونی» از نوع وقایه است و ضمیر «ی» مفعول است. (لغات مشابه: «رای: دید» / «اری: نشان داد»)

«آرونی»: «آروا + ن + ی»، «آروا» فعل امر از باب «إفعال» و متعدی است، ولی تغییراتی داشته که دانستن این تغییرات برای شما ضروری نیست.

﴿تَوَازُنَ الطَّبِيعَةِ جَمِيلٌ. خَلَقَ اللَّهُ لِلطَّبِيعَةِ نِظَامًا يَحْكُمُ جَمِيعَ الْمَوْجُودَاتِ مِنْ نَبَاتٍ وَحَيَوَانٍ وَكُلِّ شَيْءٍ أُخْرَى يَعْشَى بِغَضِّهَا عَلَى بَعْضٍ﴾

مبتدا م. الیه خبر فعل فاعل ج. م. مفعول فعل و فاعل مفعول صفت فعل فاعل م. الیه ج. م.

ترجمه: تعادل طبیعت، زیباست! خداوند برای طبیعت نظامی (سیستمی) آفرید که بر همه موجودات از گیاه و حیوان و موجودات دیگری که با یکدیگر زندگی می‌کنند، حکمرانی می‌کند:

کالبدشکافی: «تَوَازُن» مصدر ثلاثی مزید باب «تَفَاعُل» است. «خَلَقَ» فعل ماضی ثلاثی مجرد و متعدی است. «يَحْكُمُ» فعل مضارع متعدی است: ضمناً جمله وصفیه برای اسم تکرر قبل خود (نظاماً) است. «الْمَوْجُودَاتِ» صحیح است نه «الموجودات» صحیح است نه «حیوان» صحیح است نه «حیوان». «الْمَوْجُودَاتِ» اسم مفعول از ثلاثی مجرد است. «يَعْشَى» جمله وصفیه برای «کائنات» است. «أخری» اسم تفضیل مؤنث است و مذکر آن «آخر» می‌باشد.

﴿فَيَتَحَقَّقُ التَّوَازُنُ وَالِاسْتِقْرَارُ فِيهَا. وَ أَيْ خَلَقَ فِي نِظَامِهَا يُؤَدِّي إِلَى تَخْرِيبِهَا وَمَوْتٍ مِنْ فِيهَا﴾

فعل فاعل معطوف ج. م. مبتدا م. الیه ج. م. م. الیه معطوف م. الیه ج. م.

ترجمه: پس تعادل و آرامش (ثبات) در آن، تحقق می‌یابد و هر اختلالی در نظم آن، به ویران‌سازی‌اش و مرگ کسی که (هرکس) در آن است، منجر می‌شود.

کالبدشکافی: «يَتَحَقَّقُ» فعل مضارع ثلاثی مزید باب «تَفَعُّل» و لازم است. «الِاسْتِقْرَارُ» مصدر ثلاثی مزید باب «اِسْتِفْعَال» می‌باشد. «أَيْ» اسم پرسشی معرب است. «خَلَقَ» درست است نه «خَلَّلَ». (مراقب این‌گونه کلمات در مبحث ضبط حرکات باشید). «يُؤَدِّي» فعل مضارع لازم و ثلاثی مزید از باب «تَفَعُّل» است و همین‌طور «تَخْرِيب» مصدر ثلاثی مزید باب «تَفَعُّل» می‌باشد.

﴿وَمِنْ مَهْدَدَاتِ نِظَامِ الطَّبِيعَةِ: تَلَوُّثُ الْهَوَاءِ الَّذِي يُسَبِّبُ أَمْطَارًا حَمِئَةً﴾

ج. م. (خبر) م. الیه م. الیه مبتدا م. الیه صفت فعل و فاعل مفعول صفت

ترجمه: و از جمله تهدیدکننده‌های نظم طبیعت: «آلودگی هوا است که موجب باران‌های اسیدی می‌شود».

کالبدشکافی: «مَهْدَدَاتِ» اسم فاعل ثلاثی مزید از باب «تَفَعُّل» و مصدر آن، «تهدید» است. «تَلَوُّثُ» مصدر ثلاثی مزید باب «تَفَعُّل» می‌باشد. «يُسَبِّبُ» فعل مضارع متعدی و ثلاثی مزید باب «تَفَعُّل» است، ضمناً جمله صله می‌باشد و نقشی ندارد.

﴿وَالِإِنْتِاجُ فِي اسْتِخْدَامِ الْمُبْدِئَاتِ الزَّرَاعِيَّةِ وَالْأَسْمِدَةِ الْكِيمَاوِيَّةِ وَإِيجَادُ النُّفَايَاتِ الصَّنَاعِيَّةِ وَالْمَنْزِلَةِ﴾

مفعول ج. م. م. الیه صفت معطوف صفت معطوف م. الیه صفت معطوف

ترجمه: و «زیادآوری در به کارگیری حشره‌کش‌های کشاورزی و کودهای شیمیایی» و «ایجاد زباله‌های صنعتی و خانگی».

کالبدشکافی: «الِإِنْتِاجُ» مصدر ثلاثی مزید باب «إفعال» است. «اِسْتِخْدَامُ» مصدر ثلاثی مزید باب «اِسْتِفْعَال» است. «الْمُبْدِئَاتِ» اسم فاعل ثلاثی مزید از باب «إفعال» است. «ی» در «الزَّرَاعِيَّةِ الْكِيمَاوِيَّةِ» و «الْمَنْزِلَةِ» علامت نسبت است. «الْمَنْزِلَةِ» چون «ی» نسبت گرفته اسم مکان نیست. «إِيجَادُ» مصدر ثلاثی مزید از باب «إفعال» است.

﴿فَتَيَمُّ التَّوَازُنُ فِي الطَّبِيعَةِ مِنْ خِلَالِ وُجُودِ رَوَابِطٍ مُتَدَاخِلَةٍ بَيْنَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ وَبَيْنَهَا﴾

فعل فاعل ج. م. ج. م. م. الیه م. الیه صفت قید م. الیه صفت معطوف م. الیه

ترجمه: پس تعادل در طبیعت به واسطه وجود روابط درهم تنیده (تو در تو) میان موجودات زنده و محیط زیستشان انجام می‌شود (برقرار می‌شود).

کالبدشکافی: «تَيَمُّ» فعل مضارع ثلاثی مجرد و لازم است. «مُتَدَاخِلَةٍ» اسم فاعل ثلاثی مزید از باب «تَفَاعُل» می‌باشد. «الْكَائِنَاتِ» اسم فاعل از ثلاثی مجرد است.

وَلَكِنْ ظَلَمَ الْإِنْسَانُ الطَّبِيعَةَ فِي نَشَاطَاتِهِ الَّتِي تُؤَدِّي إِلَى اخْتِلَالِ هَذَا التَّوَازُنِ ظُلْماً وَاسِعاً!

فعل فاعل مفعول ج.م. م.اليه صفت فعل ج.م. م.اليه وابسته م.م.ن صفت

ترجمه: ولی انسان در فعالیت‌هایش که منجر به اختلال این توازن می‌شود، به شکل گسترده به طبیعت ستم کرد.

کالبدشکافی: «ظَلَمَ» فعل ماضی ثلاثی مجرد و متعدی است. «نَشَاطَات» صحیح است نه «نِشَاطَات». (دام آموزشی در ضبط حرکات) «اِخْتِلَال» مصدر ثلاثی مزید از باب «اِفْتِعَال» می‌باشد. «ظَلَمَ» مصدر ثلاثی مجرد است. «وَاسِعاً» اسم فاعل از ثلاثی مجرد می‌باشد.

و الْآنَ لِنَقْرَأْ هَذِهِ الْقِصَّةَ قِرَاءَةً دَقِيقَةً لِكَيْ نَطْلُعَ عَلَى أَفْعَالِ الْإِنْسَانِ الْمُخَرَّبَةِ لِلْبَيِّئَةِ

قید فعل و فاعل مفعول وابسته م.م.ن صفت فعل ج.م. م.اليه صفت ج.م.

ترجمه: و اکنون باید این داستان را با دقت (دقیق) بخوانیم تا از کارهای ویرانگر انسان نسبت به محیط زیست آگاهی یابیم.

کالبدشکافی: نوع لام (ب) در «لِنَقْرَأْ» امری یا جازمه است. «نَقْرَأْ» فعل مضارع ثلاثی مجرد و متعدی می‌باشد. «قِرَاءَةً» مصدر ثلاثی مجرد است.

«نَطْلُعَ» فعل مضارع ثلاثی مزید باب «اِفْتِعَال» و لازم می‌باشد ضمناً مضارع منصوب است. «الْمُخَرَّبَةِ» اسم فاعل ثلاثی مزید از باب «تَفْعِيل» است.

يُخْبِنُ أَنْ مُزَارِعاً كَانَتْ لَهُ مَزْرَعَةٌ كَثِيرَةٌ فِيهَا خَضِرَاوَاتٌ وَأَشْجَارٌ كَثِيرَةٌ. وَكَانَ يُرَبِّي فِي مَزْرَعَتِهِ أَنْوَاعَ الطُّيُورِ

فعل حرف مشبهة اسم «أَنْ» فعل ناقص ج.م. (خبر و کان) صفت ج.م. (خبر) مبتدا معطوف صفت فعل و فاعل ج.م. م.اليه مفعول ج.م. م.اليه

ترجمه: حکایت می‌شود که کشاورزی کشتزار بزرگی داشت که در آن سبزیجات و درختان بسیاری بود و در کشتزارش، انواع پرندگان را پرورش می‌داد.

کالبدشکافی: «كَانَتْ لَهُ مَزْرَعَةٌ» خبر «أَنْ» است. «يُخْبِنُ» فعل مضارع مجهول، ثلاثی مجرد و متعدی است. «مُزَارِعَ» اسم فاعل ثلاثی مزید از باب «مُفَاعَلَةٌ» می‌باشد. آن را با «مُزَارِعَ» که جمع «مَزْرَعَةٌ» و اسم مکان است اشتباه نگیرید. «كَانَتْ» فعل ماضی ناقصه و ثلاثی مجرد است. «فِيهَا خَضِرَاوَاتٌ» جمله وصفیه اسمیه برای «مَزْرَعَةٌ» است. «يُرَبِّي» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «تَفْعِيل»، متعدی و مصدر آن «تَرْبِيَةٌ» است: همچنین خبر «كَانَ» است. اسم کان «هُوَ» مستتر است.

ذَاتِ يَوْمٍ لَاحَظَ الْمُزَارِعُ أَنَّ عَدَدَ أَفْرَاحِ الطُّيُورِ يَنْقُصُ تَدْرِيجاً. بَدَأَ الْمُزَارِعُ يُفَكِّرُ فِي سَبَبِ ذَلِكَ وَ يُرَاقِبُ الْمَزْرَعَةَ لَيْلاً وَ نَهَاراً

قید م.اليه فعل فاعل حرف مشبهة اسم «أَنْ» م.اليه م.اليه فعل قید فعل قید فعل ج.م. م.اليه فعل و فاعل مفعول قید معطوف

ترجمه: روزی کشاورز ملاحظه کرد که تعداد جوجه‌های پرندگان به تدریج کم می‌شود. کشاورز، شروع به اندیشیدن در مورد دلیل آن کرد و از کشتزار، شب و روز مراقبت می‌کرد.

کالبدشکافی: «لَاحَظَ» فعل ماضی ثلاثی مزید باب «مُفَاعَلَةٌ» و متعدی است. «يَنْقُصُ» فعل مضارع ثلاثی مجرد، لازم و خبر «أَنْ» است. «يُفَكِّرُ» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «تَفْعِيل» و لازم می‌باشد. «يُرَاقِبُ» فعل مضارع ثلاثی مزید از باب «مُفَاعَلَةٌ» و متعدی است. «الْمَزْرَعَةَ» اسم مکان بر وزن «مَفْعَلَةٌ» می‌باشد.

فَلَاخِظَ أَنْ عَدَدًا مِنَ الْبُومَاتِ تَسْكُنُ قُرْبَ الْمَزْرَعَةِ، فَتَهْجُمُ عَلَى الْأَفْرَاحِ هُجُوماً كَثِيراً وَ تَأْكُلُهَا.

فعل حرف مشبهة اسم «أَنْ» ج.م. فعل قید م.اليه فعل ج.م. م.م.ن صفت فعل و فاعل مفعول

ترجمه: پس ملاحظه کرد که تعدادی از جفدها در نزدیکی کشتزار، زندگی می‌کنند و به جوجه‌ها زیاد (به طور گسترده) حمله می‌کنند و آن‌ها را می‌خورند.

کالبدشکافی: «تَسْكُنُ» فعل مضارع ثلاثی مجرد، لازم و خبر برای «أَنْ» است. «تَهْجُمُ» فعل مضارع ثلاثی مجرد و لازم می‌باشد. «هُجُوماً» مصدر ثلاثی مجرد است. «تَأْكُلُهَا» فعل مضارع ثلاثی مجرد و متعدی می‌باشد.

فَقَرَّرَ الْمُزَارِعُ التَّخْلُصَ مِنْهَا، وَ بَعْدَ شُهُورٍ شَاهَدَ الْمُزَارِعُ أَنَّ الْخَضِرَاوَاتِ بِالْمَزْرَعَةِ تَتَعَرَّضُ لِلْأَكْلِ وَ التَّلَفِ.

فعل فاعل مفعول ج.م. ج.م. فعل قید م.اليه فعل فاعل حرف مشبهة اسم «أَنْ» ج.م. فعل ج.م. معطوف

ترجمه: پس کشاورز، تصمیم گرفت که از آن‌ها رهایی یابد (نجات یابد) و همین کار را کرد (چنین کرد) و بعد از چند ماه، کشاورز دید که سبزیجات در کشتزار در معرض خوردن و از بین رفتن، قرار می‌گیرند.

کالبدشکافی: «قَرَّرَ» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «تَفْعِيل» و متعدی است. «التَّخْلُصَ» مصدر ثلاثی مزید باب «تَفْعِيل» می‌باشد. «هَكَذَا» حرف تنبيه، «كَ» حرف جر و «ذَ» اسم اشاره است. «فَعَلَ» فعل ماضی ثلاثی مجرد و متعدی است. «شَاهَدَ» فعل ماضی ثلاثی مزید باب «مُفَاعَلَةٌ» و متعدی است.

«تَتَعَرَّضُ» فعل مضارع ثلاثی مزید باب «تَفْعِيل»، لازم و خبر «أَنْ» است. «الْأَكْلُ» و «التَّلَفُ» مصدر ثلاثی مجرد هستند.

وَ لَمَّا رَاقَبَ الْأَمْرَ مُرَاقَبَةً شَدِيدَةً، لَاحَظَ أَنَّ مَجْمُوعَةَ كَثِيرَةً مِنْ فِرَانِ الْحَقْلِ تَهْجُمُ عَلَى الْخَضِرَاوَاتِ وَ تَأْكُلُهَا.

فعل و فاعل مفعول م.م.ن صفت فعل حرف مشبهة اسم «أَنْ» صفت ج.م. م.اليه فعل ج.م. فعل و فاعل مفعول

ترجمه: و هنگامی که موضوع را به شدت تحت نظر گرفت، ملاحظه کرد که مجموعه بزرگی از موش‌های کشتزار به سبزیجات حمله می‌کنند و آن‌ها را می‌خورند.

کالبدشکافی: «رَاقَبَ» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «مُفَاعَلَةٌ» و متعدی است. «مُرَاقَبَةً» مصدر ثلاثی مزید باب «مُفَاعَلَةٌ» می‌باشد. «مَجْمُوعَةً» اسم مفعول ثلاثی مجرد است. «تَهْجُمُ» خبر «أَنْ» است. «فِرَانِ» جمع مکسر است نه مثنی.

أَخَذَ الْمُزَارِعُ يُفَكِّرُ: لِمَاذَا أَزْدَادَ عَدَدُ فِرَانِ الْحَقْلِ أَزْدَاداً كَثِيراً؟!

فعل فعل ج.م. فعل فاعل م.اليه م.اليه م.م.ن صفت

ترجمه: کشاورز، شروع به اندیشیدن کرد. «چرا تعداد موش‌های کشتزار، بسیار افزایش یافت؟!»

کالبدشکافی: «أَزْدَادَ» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «اِفْتِعَال» و لازم می‌باشد و مصدر آن «إِزْدَادٌ» است.

(لغات مشابه: زَادَ - يَزِيدُ زیاد کرد، زیاد شد) (هم لازم و هم متعدی) / إِزْدَادٌ - يَزْدَادُ زیاد شد، افزایش یافت (لازم)

فَذَهَبَ إِلَى خَيْبِ الزَّرَاعَةِ وَ اسْتَشَارَهُ. فَقَالَ لَهُ الْخَبِيرُ: «كَيْفَ يَكُونُ ذَلِكَ، وَ هُنَاكَ بَوْمَاتٌ كَثِيرَةٌ فِي مِثْلِ مَقَامِكُمْ؟!»

فعل ج.م. م.اليه فعل و فاعل مفعول فعل ج.م. فاعل خبر «يَكُونُ» اسم «كَانَ» خبر مبتدا صفت ج.م. م.اليه

ترجمه: پس نزد کارشناس کشاورزی رفت و با او مشورت کرد. پس کارشناس به او گفت: چگونه آن امکان دارد؟ در حالی که جفدهای بسیاری در منطقه شما وجود دارند.

① م.م.ن ← مفعول مطلق نوعی



❖ **کالبدشکافی:** «إِسْتَشَارَ» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «استفعال» و متعدی است. «مِنْطَقَةً» با این که شبیه وزن «مَفْعَلَةٌ» است؛ ولی اسم مکان محسوب نمی‌شود.

❖ **قالَ لَهُ الْمَزَارِعُ:** «إِنَّمَا تَخَلَّصْتُ مِنَ الْبُومَاتِ بِقَتْلِ الْكَثِيرِ مِنْهَا»

فعل ج.م. فاعل حرف مشبهة اسم «إن» فعل ج.م. م.اليه ج.م.

ترجمه: کشاورز به او گفت: همانا من از دست جغدها با کشتن بسیاری از آن‌ها خلاص شدم (رهایی یافتم).

❖ **کالبدشکافی:** «تَخَلَّصْتُ» فعل ماضی ثلاثی مزید باب «تَفَعَّلُ»، لازم و خبر «إِنْ» است. «تَخَلَّصَ - يَتَخَلَّصُ» مصدر ثلاثی مجرد می‌باشد.

❖ **قالَ الْخَبِيرُ:** «إِنَّكَ تَعْدَيْتَ عَلَى نِظَامِ الطَّبِيعَةِ تَعْدِي الظَّالِمِينَ. فَالْبُومَاتُ كَانَتْ تَتَغَدَّى عَلَى فُئْرَانِ الْاَفْرَاحِ»

فعل فاعل حرف مشبهة اسم «إن» فعل ج.م. م.اليه م.م.ن م.اليه مبتدا فعل ناقص خبر كان ج.م. م.اليه ج.م.

ترجمه: همانا تو مانند ستمگران به نظام طبیعت دست درازی کردی؛ زیرا جغدها علاوه بر جوجه‌ها از موش‌های کشتزار تغذیه می‌کردند.

❖ **کالبدشکافی:** «تَعْدَيْتَ» فعل ماضی ثلاثی مزید لازم از باب «تَفَعَّلُ» و خبر «إِنْ» است. «الظَّالِمِينَ» اسم فاعل از ثلاثی مجرد می‌باشد. «تَتَغَدَّى» فعل مضارع ثلاثی مزید

باب «تَفَعَّلُ» و لازم است. «إِضَافَةً» مصدر ثلاثی مزید باب «إِفْعَالُ» است. «كَانَتْ تَتَغَدَّى» خبر «الْبُومَاتُ» است. ضمناً اسم آن «هی» مستتر است.

❖ **و بَعْدَ التَّخْلُصِ مِنْ أَكْثَرِ الْبُومَاتِ أَزْدَادَ عَدَدَ فُئْرَانِ الْخَقْلِ»**

قيد م.اليه ج.م. م.اليه فعل فاعل م.اليه م.اليه

ترجمه: و بعد از رهایی یافتن از بیشتر جغدها، تعداد موش‌های کشتزار افزایش یافت.

❖ **کالبدشکافی:** «التَّخْلُصُ» مصدر ثلاثی مزید باب «تَفَعَّلُ» است. «أَكْثَرُ» اسم تفضیل می‌باشد.

❖ **كَانَ الْوَاجِبُ عَلَيْكَ تَصْحِيحَ هَذَا الْخَطِئِ بِالْحِفَاطِ عَلَى طُيُورِكَ لَا بِقَتْلِ الْبُومَاتِ»**

فعل ناقص اسم و كان ج.م. خبر كان م.اليه وابسته ج.م. م.اليه ج.م. م.اليه

ترجمه: تو باید این اشتباه را با مراقبت از پرندگان تصحیح (اصلاح) می‌کردی نه با کشتن جغدها.

❖ **کالبدشکافی:** «الوَاجِبُ» اسم فاعل از ثلاثی مجرد است. «تَصْحِيحُ» مصدر ثلاثی مزید باب «تَفَعَّلُ» می‌باشد. «الْحِفَاطُ» مصدر ثلاثی مزید باب «مُفَاعَلَةٌ» بر وزن «إِفْعَالُ» است.

❖ **فَإِنْ اسْتَمَرَّتِ الْحَالَةُ هَكَذَا، فَسَتَشَاهِدُ مَشَاكِلَ جَدِيدَةً فِي الْبَيْتَةِ الَّتِي تَعِيشُ فِيهَا مُشَاهِدَةً مُؤَلِّمَةً»**

ادوات شرط فعل فاعل فعل و فاعل مفعول صفت ج.م. صفت فعل ج.م. م.م.ن صفت

ترجمه: پس اگر (این) حالت، این چنین ادامه یابد مشکلات جدیدی را در محیط زیستی که در آن زندگی می‌کنی، به گونه ای دردناک خواهی دید.

❖ **کالبدشکافی:** «اسْتَمَرَّتِ» فعل ماضی ثلاثی مزید باب «اسْتَفْعَالُ»، لازم و فعل شرط است. «تَشَاهِدُ» فعل مضارع ثلاثی مزید باب «مُفَاعَلَةٌ»، متعدی و جواب شرط می‌باشد.

❖ «مَشَاكِلَ» جمع «مُشْكِلَةٌ» اسم فاعل ثلاثی مزید باب از «إِفْعَالُ» است. «تَعِيشُ» فعل مضارع ثلاثی مجرد و لازم است. «مُؤَلِّمَةً» اسم فاعل ثلاثی مزید از باب «إِفْعَالُ» می‌باشد.

❖ **و هَكَذَا قَرَّرَ الْمَزَارِعُ الْحِفَاطَ عَلَى الْاَفْرَاحِ وَ السَّمَاحَ لِلْبُومَاتِ بِدُخُولِ مَرْزَعَتِهِ»**

فعل فاعل مفعول ج.م. معطوف ج.م. ج.م. م.اليه م.اليه

ترجمه: و این چنین کشاورز تصمیم گرفت که از جوجه‌ها مراقبت کند و به جغدها اجازه دهد وارد کشتزارش شوند.

❖ **کالبدشکافی:** «دُخُولُ» مصدر ثلاثی مجرد است. «قَرَّرَ» فعل ماضی ثلاثی مزید باب «تَفَعَّلُ» و متعدی است.

(**لغات مشابه:** «سَمَحَ» اجازه داد / «سَامَحَ» بخشید)

❖ **فَازْدَادَ عَدَدُهَا مَرَّةً أُخْرَى، وَ أَكَلَتْ فُئْرَانِ الْخَقْلِ؛ وَ عَادَتْ الْبَيْتَةَ إِلَى حَالَتِهَا الطَّبِيعِيَّةِ»**

فعل فاعل م.اليه قيد صفت فعل و فاعل مفعول م.اليه فعل فاعل ج.م. م.اليه صفت

ترجمه: پس بار دیگر تعدادشان افزایش یافت و موش‌های کشتزار را خوردند و محیط زیست به حالت طبیعی‌اش بازگشت.

❖ **کالبدشکافی:** «أَكَلَتْ» فعل ماضی ثلاثی مجرد و متعدی است. «عَادَتْ» فعل ماضی ثلاثی مجرد و لازم است. (عَادَ ← يَعُودُ)

لغات



لغات

اَذَى (يُؤْذِي): منجر شد	إِثْتَفَى بِ...: کفایت کرد	تَوَازُن: تعادل	سَجَن: زندان «جمع: سجون»
أَرَى (يَرَى): نشان داد	إِثْبَتَ: آگاه شد	خَقْل: کشتزار «جمع: خُقُول»	طَعْم: غذا «جمع: طَعُوم»
أَسْمَدَ: کودها «مفرد: سَمَاد»	بَدَأَ يُفَكِّرُ: شروع به اندیشیدن کرد	خَفَضِيَّة: اسبیدی	طَمَر: لباس کهنه «جمع: أَطْمَار»
أَعَانَ (يُعِينُ): کمک کرد	بَيْتَه: محیط زیست	جَبَل: چاره‌اندیشی‌ها «مفرد: حيلة»	عَلِيل: فقیر
أَفْرَاح: جوجه‌ها «مفرد: فَرَح»	تَأَكَّدَ مِنْ: از... مطمئن شد	خَبِير: کارشناس «جمع: خُبَرَاء»	فَتَى: جوان «جمع: فَتَيَّة»
إِثَارَ: بسیار گردانیدن، زیادمروری	تَبَعَ: تعقیب کرد	خَضِرَات: سبزیجات «مفرد: خَضْرَاء»	فُئْرَان: موش‌ها «مفرد: فَار»
إِسْتَشَارَ (يَسْتَشِيرُ): مشورت خواست	تَحَقَّقَ: تحقق یافت	جِدَاع: نیرنگ	قَرَّرَ: تصمیم گرفت
إِسْتَرْخَعَ: پس گرفت	تَعَدَّى (يَتَعَدَّى): دست‌درازی کرد	رَاقِبَ: مراقبت کرد	قُرَص: قطعه نانی دایره‌ای شکل
إِسْتَضَاءَ (يَسْتَضِيءُ): طلب نور کرد	تَعَرَّضَ: در معرض قرار گرفت	رَقِي (يُرْقِي): پرورش داد	«جمع: أَقْرَاص»
إِسْتِقْرَار: آرامش و ثبات	تَغَلَّى (يَتَغَلَّى): تغذیه کرد	سَدَاد: درستی	نَجَا: پناه بُرد
إِطْلَعَ (يُطْلِعُ): آگاهی یافت	تَلَف: نابودی، فنا شدن، تلف شدن	سَوَاء: خواه، چه، یکسان	ما أَظْلَمَ: چقدر ستمگر است!
إِقْدَى: اقتدا کرد، تبعیت کرد	تَنَاضَر: همکاری کرد	السَّمَاح لِ (سَمَحَ): اجازه دادن به ...	مَأمُوم: پیرو، اقتدا کننده، رهرو
	تَلَوَّثَ: آلودگی	سَجَل (يُسَجَّلُ): ثبت کرد	مَأْدَبَة: سفره مهمانی «جمع: مَادِب»

جمع های مکتبر

آمال — اَمَل (آرزو)	آسمده — سَمَد (کود)	أطمار — طَمَر (لباس کهنه)	أفراخ، فِراخ — فَرَخ (جوجه)	أفراص — فُرَص (نان)	أحقول — حَقْل (کشتزار)	أحیل — حِلَه (چاره اندیشی)	أخبراء — خَبِر (کارشناس)	أشجون — سَجَن (زندان)	أطعم — طَعْم (غذا)	أفئران — فَران (موش)	أفئیه — فَنیه (جوان)	أادیب — مَادِبَه (سفره مهمانی)
---------------------	---------------------	---------------------------	-----------------------------	---------------------	------------------------	----------------------------	--------------------------	-----------------------	--------------------	----------------------	----------------------	--------------------------------

لَبَأً = عاذ (پناه برد)

مَجْفُو = مَطْرود (رانده شده)

متضاد

إكثار، إفراط (زیاده روی) ≠ تَقْرِيط (کوتهای)	تَبِع، إقتدی (پیروی کرد) ≠ عَصَى (سرپیچی کرد)	تَلَوُّ (آلودگی) ≠ تَنْظُف (پاکیزگی)	جَفَاف (خشکی) ≠ رَطوبَة (رطوبت)	سَمَخ (اجازه داد) ≠ مَنَعَ (منع کرد)	عَالِل، خَقِير (فقیر) ≠ غَنِي (بی نیاز، ثروتمند)	فَتْن، شَاب (جوان) ≠ عَجُوز (پیر)	قَتْل (کشتن) ≠ إحياء (زنده کردن)	مَجْفُو (طرد شده) ≠ مَدْعُو (دعوت شده)	مُتَشَالِم (بدبین) ≠ مُتَفَالِل (خوش بین)
--	---	--------------------------------------	---------------------------------	--------------------------------------	--	-----------------------------------	----------------------------------	--	---

مترادف

أَمَان = نَصْر = سَاعَد (کمک کرد)	الْمَأْمُوم = التَّابِع = الْمُقْتَدِي (پیرو، تابع)	إكثار = إفراط (زیاده روی)	تَأْكُد مِن = إطمأن (مطمئن شد)	تَبِع = إقتدی = أطاع (پیروی کرد)	خَلَل = قَبِيب = نَقص (اختلال، ایراد)	خُداع = مَكْر = حيلة (نیرنگ، مکر)	سَداد = صَوَاب (درست، درستی)	طَرَد = إبعاد (دور کردن، راندن)	فَتْن = شَاب (جوان)	قَرَز = عَرَم (تصمیم گرفت)	كائنات = مَوْجودات = مخلوقات (موجودات، آفریده ها)
-----------------------------------	---	---------------------------	--------------------------------	----------------------------------	---------------------------------------	-----------------------------------	------------------------------	---------------------------------	---------------------	----------------------------	---

فَبِيد: نابود کننده
مَجْفُو: طرد شده
مَدْعُو: دعوت شده
مَكْسُور: شکسته
مَوْلِم: دردآور
مُتَشَالِم: بدبین
مُتَفَالِل: خوش بین
مُسْتَوِر: ادامه دار
مُتَبَرِّس: درنده، شکارچی درنده
مُهْدَد: تهدید کننده
مُواطِن: هم وطن، هم شهری
نُفایة: زباله
كائنات: موجودات
هناك: آن جا، وجود دارد
يَعِيشُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ: از یکدیگر تغذیه می کنند

جملات و اصطلاحات مهم تمایز

- يَطْرُقُ السَّمَكُ الْمَدْفُونُ مِنَ الْغِلَافِ خُرُوجاً عَجِيباً: ماهی دفن شده به صورت عجیبی از پوشش خارج می شود.
- تُعَدُّ الثَّيَابُ الصَّنَاعِيَّةُ تَهْدِيداً لِنِظَامِ الطَّبِيعَةِ: زباله های صنعتی تهدیدی برای نظام طبیعت به شمار می رود.
- الْخَبِيرُ عَالِمٌ مُتَخَصِّصٌ بِأَمُورٍ مَهْنَةٍ أَوْ عَمَلٍ أَوْ تِرْثٍ: کارشناس، عالمی متخصص به امور یک شغل یا یک حرفه یا یک برنامه می باشد.
- قَدْ بَلَّغْنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فَنِيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ كَمَاكَ إِلَى مَادِبَةِ قَاسِرَتٍ إِلَيْهِ: به من (خبر) رسید که مردی از مردان بصره، تو را به سفره مهمانی ای فراخوانده و تو به سوی آن شتافتی.
- مَا تَلَقَّيْتُ أُنْكَ تَجِيبَ إِلَى طَعَامٍ قَوْمِ عَائِلِهِمْ مَجْفُوٍّ وَ غَنِيَهُمْ مَدْعُوٍّ: گمان نمی کردم که مهمانی مردمی را بپذیری که تهی دستشان رانده و ثروتمندشان دعوت شده است.
- لَكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامٌ يَقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ: هر رهرویی پیشوایی دارد که از او پیروی می کند و از نور دانشش روشنی می جوید.
- أَعْيُنُونِي وَزَعِ وَاجْتِهَادِي وَعِفَّةً وَسَدَاداً بِإِسْرَافٍ وَتَلَاشٍ وَبِإِكْدَامِي وَدَرَسِي، هِرَابِلِي كُنَيْدِ: لا شيءَ أَحَقَّ بِالسَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ: هیچ چیزی شایسته تر از زبان به زندان نیست.
- مَنْ لَمْ يُؤَدِّهِ الْوَالِدَانِ صَغِيرًا يُؤَدِّهِ الرُّقْمُ: هر کس، پدر و مادر در کودکی او را ادب نکنند، روزگار او را ادب می کند.
- يَهْتَمُّ الْمُوَاطِنُ الْفَهِيمُ بِنِظَافَةِ الْبَيْتَةِ إِهْتِمَامًا بِالْأَعْيُنِ: شهروند فهمیده به نظافت محیط زیست بسیار اهمیت می دهد (اهتمام می ورزد).
- يَرَى الْمُتَشَالِمُ الصُّعُوبَةَ فِي كُلِّ فُرْصَةٍ: فرد بدبین در هر فرصتی، سختی را می بیند.
- الْمُتَفَالِلُ يَرَى الْفُرْصَةَ فِي كُلِّ صُعُوبَةٍ: فرد خوش بین در هر سختی ای، فرصت را می بیند.

پرسش های چهارگزینه ای

ترجمه و تعریب (۵۲ تست)



۱. ترجمه تک عبارتی

(خارج انسانی ۹۹)

۲۳۲۳. «إِنْ تَحَقَّقَ التَّوْازُنُ فِي الطَّبِيعَةِ فَسَتُشَاهِدُ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةَ الْإِسْتِقْرَارَ فِيهَا»: ﴿كُدْ بِاسْخِ تَصْوِيرِي: ۵۸۰-۹۹۱۷﴾

- اگر توازن در طبیعت محقق شود آرامش را موجودات زنده خواهند دید!
- چنانچه تعادل در طبیعت وجود داشته باشد موجودات زنده آرامش در آن می بینند!
- اگر برابری در طبیعت برقرار باشد آرامش و ثبات در موجودات زنده دیده خواهد شد!
- چنانچه توازن در طبیعت تحقق یابد موجودات زنده آرامش و ثبات را در آن خواهند دید!



۲۳۲۴. ﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ﴾: این

(۱) آفرینش الله است؛ پس ببینید آن‌ها که غیر او هستند چه خلق کرده‌اند؟!

(۲) آفرینش الهی است، پس مرا ببینید که غیر او، چه آفریده‌اند؟!

(۳) خلق خدا است، پس به من نشان دهید کسانی که غیر از اویند چه آفریده‌اند؟!

(۴) آفریده خداوند است، پس به من نشان دهید معبودانی غیر او چه چیزی را خلق کرده‌اند؟!

(تجربی ۹۹)

۲۳۲۵. «كَمْ شَخْصًا نَعْرِفُ أَنَّهُمْ يَعْمَلُونَ بِمَا يَقُولُونَ، فَيُؤْثَرُونَ عَلَيْنَا تَأْثِيرًا عَمِيقًا لَا نَجِدُ مَثْلَهُ فِي الْآخِرِينَ؟!»:

(۱) چند شخص را می‌شناسیم که می‌گویند چیزی را که بدان عمل می‌کنند، پس بر ما تأثیر عمیقی می‌گذارند که همانند آن را در دیگران نمی‌یافتیم؟!

(۲) چند شخص را شناخته‌ایم که به چیزی که می‌گویند عمل می‌کنند، و بر ما آنچنان تأثیری دارند که در دیگران مثل آن را نیافته‌ایم؟!

(۳) چند نفر را می‌شناسیم که آن‌ها چیزی می‌گویند که عمل می‌کنند، و بر ما آنچنان اثری دارند که در افراد دیگر همانندش را نمی‌یابیم؟!

(۴) چند نفر را می‌شناسیم که به آنچه می‌گویند عمل می‌کنند، پس بر ما تأثیر عمیقی می‌گذارند که در دیگران مثل آن را نمی‌یابیم؟!

(انسانی ۱۴۵۰)

۲۳۲۶. ﴿مَا أَسْرَعَ تَلَوُّتُ الْهَوَاءِ فِي تَخْرِيبِ بَيْتِنَا إِنْ لَمْ يَتَحَقَّقِ التَّوَازُنُ فِيهَا، فَهُوَ مُهْدَدٌ لِلْبَشَرِيَّةِ!»: ﴿کد پاسخ تصویری: ۰۰۱۷۰۵۸۱﴾

(۱) اگر تعادل در محیط زیست محقق نشود چقدر آلودگی هوا برای خراب شدن محیط زیست ما سریع، و برای بشریت چقدر تهدیدکننده می‌باشد!

(۲) آلودگی هوا در خراب کردن محیط زیست ما چقدر سریع است اگر تعادل در محیط زیست محقق نشود، و این امر تهدید کننده بشریت است!

(۳) برای خراب شدن محیط زیست ما آلودگی هوا بسیار سریع است و برای بشریت تهدیدکننده است، اگر تعادل در آن محقق نشود!

(۴) آلودگی هوا برای خراب کردن محیط زیست ما سریع نیست اگر تعادل در آن محقق شود، وگرنه بشریت را تهدید می‌کند!

(ریاضی ۹۹)

۲۳۲۷. ﴿إِنَّ الهمس الذي يمنعك عن التعلم في الضف، يضرك ضرراً لا تنتبه إليه إلا في نهاية السنة!»:

(۱) آهسته سخن گفتنی که تو را از آموزش در کلاس باز دارد، کاملاً به تو ضرری می‌زند که متوجه آن نمی‌شوی مگر در پایان سال!

(۲) در کلاس درگوشی سخن گفتن، تو را از آموختنی باز می‌دارد که به تو قطعاً ضرر می‌زند و متوجه آن نمی‌شوی مگر در پایان سال!

(۳) آهسته سخن گفتن در کلاس، تو را از یادگیری باز می‌دارد و به تو ضرر می‌زند به‌گونه‌ای که فقط در پایان سال متوجهش می‌شوی!

(۴) بیج کردنی که تو را از آموختن در کلاس باز دارد، به تو ضرری می‌زند که فقط در پایان سال متوجه آن می‌شوی!

(انسانی ۱۴۵۰)

۲۳۲۸. ﴿كَانَ الْمُزَارِعُ يُرَاقِبُ أُمُورَ الْمَرْعَةِ مُرَاقَبَةً وَلَكِنَّ الْبُومَاتِ كَانَتْ تَتَغَذَّى عَلَى الْأَفْرَاحِ، وَ هَذِهِ سَنَةُ الطَّبِيعَةِ!»: ﴿کد پاسخ تصویری: ۰۰۱۷۰۵۸۲﴾

(۱) کشاورز مراقب امور مزرعه بود ولی تغذیه جفدها از جوجه‌ها انجام می‌گرفت، و این قانون طبیعت بود!

(۲) مزرعه‌دار امور مزرعه را نگرهبانی می‌کرد اما جفدها جوجه‌ها را خورده بودند، و این سنت طبیعت بود!

(۳) مزرعه‌دار از کارهای مزرعه با دقت مراقبت می‌کرد ولی جفدها جوجه‌ها را خورده بودند، و این قانون طبیعت است!

(۴) کشاورز کارهای مزرعه را بی‌گمان مراقبت می‌کرد ولی جفدها از جوجه‌ها تغذیه می‌کردند، و این سنت طبیعت است!

۲۳۲۹. «قد قرنا أن نكتب أبحاثاً عن العوامل المهددة للبيئة و نقدم طريقة لرفعها!»:

(۱) تصمیم گرفته‌ایم که پژوهش‌هایی درباره عوامل تهدیدکننده محیط زیست بنویسیم و راهی را برای رفع آن‌ها ارائه دهیم!

(۲) قرار گذاشتیم که تحقیقاتی را در خصوص عوامل تهدیدکننده برای محیط زیست نوشته تا یک راهکار برای رفع آن پیشنهاد کنیم!

(۳) تصمیم گرفته‌ایم که درباره عواملی که برای محیط زیست، تهدیدکننده هستند، پژوهش کنیم و برای حل آن یک راه ارائه کنیم!

(۴) قرار گذاشته‌ایم که پژوهش‌های خود را پیرامون عواملی که تهدیدکننده محیط زیست هستند، بنویسیم تا برای رفع آن‌ها راهی ارائه کنیم!

(خارج معارف ۱۴۵۳)

۲۳۳۰. «قد سبب التَّقَدُّمُ التَّكْنُولُوجِيَّ تَلَوُّتَ الْحَوِّ، وَ كَمِ مِنَ النَّاسِ أَصْبَحُوا مُصَابِينَ بِأَمْرَاضٍ مُخْتَلِفَةٍ بِسَبَبِهِ، وَ لَا مَفْزَ إِلَّا لِلْحَوِّ إِلَيْهِ!»:

(۱) بی‌شک پیشرفت تکنولوژی آلوده شدن هوا را هم باعث شده، و دچار شدن بسیاری از مردم به امراض مختلف بدین سبب است، اما راه فراری هم نیست

جز اینکه به خودش پناه ببریم!

(۲) پیشرفت تکنولوژی قطعاً باعث آلوده شدن هوا می‌شود، و از میان مردم بسیاری هستند که بدین سبب دچار بیماری‌های مختلف شده‌اند، لذا هیچ

گریزگاهی جز پناه بردن به خود آن نیست!

(۳) قطعاً پیشرفت تکنولوژی سبب آلودگی هوا شده است، و چه بسیار مردمی که به خاطر آن دچار بیماری‌های مختلف شده‌اند و هیچ راه گریزی جز پناه بردن

به خودش نیست!

(۴) پیشرفت تکنولوژی است که آلودگی هوا را به وجود آورده و بسیاری از مردم را به بیماری‌های مختلف گرفتار کرده است اما جز پناه بردن به خودش، مفزی

هم نیست!

(Level Up)

۲۳۳۱. «تَلَوُّتُ الْحَوِّ يَسَبِّبُ الْأَمْطَارَ الْحَمَضِيَّةَ وَ لِهَذَا فَهُوَ مِنَ الْعَوَامِلِ الَّتِي يَهْدَدُ بِهَا نِظَامُ الطَّبِيعَةِ!»:

(۱) آلودگی جوی، سبب باران‌های اسیدی می‌شود و به همین خاطر آن از عواملی است که نظام طبیعت را تهدید می‌کند!

(۲) آلودگی هوا، سبب باران‌های اسیدی می‌شود و از این رو آن از عواملی است که به وسیله آن‌ها نظام طبیعت تهدید می‌شود!

(۳) آلودگی هوا، سبب باران‌های اسیدی می‌گردد و به همین خاطر از عواملی است که نظام طبیعی با آن تهدید می‌شود!

(۴) آلودگی جوی، سبب می‌شود که باران‌های اسیدی که از عوامل تهدیدکننده برای نظام طبیعی است، شکل گیرد!

۲۳۳۲. «نستهلك الأسمدة الكيماوية بكثرة و نحن نعلم أن إستخدامها الكثير يؤدي إلى الإختلال في نظام الطبيعة!»: ﴿كد پاسخ تصویری: ۰۱۷۰۵۸۳﴾

- (۱) ما از کودهای شیمیایی زیاد استفاده می‌کنیم حال آن‌که می‌فهمیم که کاربرد زیادشان اختلالی در نظام طبیعت به وجود می‌آورد! (خارج انسانی ۱۴۰۰)
- (۲) ما کودهای شیمیایی را زیاد مصرف می‌کنیم درحالی‌که می‌دانیم که به کار بردن زیادشان به اختلال در نظام طبیعت منجر می‌شود!
- (۳) ما کودهای شیمیایی زیادی مصرف می‌کنیم با این‌که می‌دانیم که به کار بردن زیادشان اختلال در نظام طبیعت را به وجود می‌آورد!
- (۴) ما از کودهای شیمیایی زیاد استفاده می‌کنیم با وجود این‌که فهمیده‌ایم که زیاد به کار بردنشان منجر به اختلال در نظام طبیعت می‌شود!

۲۳۳۳. «لايعينني في دروسي إلا من يجتني خبأ، وهو صديقي الذي تقدمه في الدروس أكثر مني، وتقدمي الدراسي في هذه السنة ترتبط بمساعدته!»:

(انسانی اردیبهشت ۱۴۰۳)

﴿كد پاسخ تصویری: ۰۳۷۰۵۸۴﴾

- (۱) حتماً مرا در درس‌هایم کمک می‌کند کسی که واقعاً مرا دوست دارد، کسی که در درس از من پیشرفته‌تر است، و او دوست من است و پیشرفت درسی من امسال به یاری‌اش وابسته است!
- (۲) مرا در درس‌هایم یاری نمی‌رساند جز کسی که حقیقتاً به من علاقه دارد، و او دوستی است که در درس از من جلوتر است، و این سالی است که پیشرفت درسی من به کمک او بستگی دارد!
- (۳) فقط کسی که مرا واقعاً دوست دارد در درس‌هایم حتماً به من کمک می‌کند، و او آن دوستی است که در درس از من جلوتر است، و در این سال ارتقاء تحصیلی من به یاری او وابسته است!
- (۴) فقط آنکه مرا واقعاً دوست دارد مرا در درس‌هایم یاری می‌کند، و او دوستی است که پیشرفتش در درس از من بیشتر است، و امسال پیشرفت تحصیلی من به کمک او بستگی دارد!

۲۳۳۴. «ما أجمل توازن الطبيعة، و أجمل منه هو أن نسعى كلنا أن نمنع تعدي الظالمين على نظام العالم و ما فيه من أجل منفعتهم!»: چه زیباست

(انسانی ۱۴۰۱)

﴿كد پاسخ تصویری: ۰۱۷۰۵۸۵﴾

- (۱) توازن طبیعت، و زیباتر تلاش ماست و این‌که همه ما در برابر ستم منفعت‌طلبانه ظالمان بر نظم موجود در عالم و هرچه در آن است، بایستیم!
- (۲) تعادل در طبیعت، و از آن زیباتر تلاش همگی ماست تا جلو ستمگری ستمکاران را در نظام عالم و هرچه در آن است برای نفع شخصی خویش، بگیریم!
- (۳) توازن طبیعت، و از آن زیباتر است که ما همگی تلاش کنیم برای منفعت خویش مانع ستمکاری ظالمان در نظام موجود در جهان و آنچه در آن است شویم!
- (۴) تعادل طبیعت، و زیباتر از آن این است که ما همگی تلاش کنیم از دست‌درازی ستمگران بخاطر سود خودشان بر نظام جهان و آنچه در آن است، جلوگیری کنیم!

۲۳۳۵. «لا أقدر أن أربي هذه الطيور إلا أن تساعدني مساعدة مثمرة!»:

- (۱) قادر نیستم این پرندگان را تربیت کنم، جز این‌که توبه من، حقیقتاً کمکی پرثمر نمایم!
- (۲) فقط زمانی قادر به تربیت کردن این پرندگانم، که قطعاً مساعدتی تأثیرگذار به من داشته باشی!
- (۳) نمی‌توانم که این پرندگان را پرورش دهم، مگر این‌که به گونه‌ای ثمر بخش، به من کمک نمایی!
- (۴) فقط، چنانچه به شکل ثمر بخش، به من یاری رسانده شود، می‌توانم این پرندگان را تربیت کنم!

(Level Up)

۲۳۳۶. «إذا نظرت بنظارة التفاؤل إلى الوجود رأيت الجمال رؤية في كل ذرّاته!»:

- (۱) هرگاه به هستی، با عینک خوش‌بینی بنگری، زیبایی را در همه ذرات آن قطعاً می‌بینی!
- (۲) اگر با خوش‌بینی عرصه وجود را ببینی، زیبایی را در تک‌تک ذراتش می‌بینی!
- (۳) هرگاه با عینک خوش‌بینی به هستی بنگری، قطعاً زیبایی را در همه ذراتش می‌یابی!
- (۴) اگر به هستی نگاهی خوش‌بینانه داشته باشی، در همه ذرات آن زیبایی را قطعاً خواهی دید!

(خارج انسانی ۱۴۰۰)

۲۳۳۷. «ليس هناك عظم في اللسان ولكنه يستطيع أن يكسر القلوب استطاعة، فلترقب كلامنا!»: ﴿كد پاسخ تصویری: ۰۱۷۰۵۸۶﴾

- (۱) در زبان استخوانی وجود ندارد، ولی قطعاً می‌تواند دل‌ها را بشکند، پس باید مواظب سخنانمان باشیم!
- (۲) در زبان استخوانی نیست، اما به خوبی توانایی شکستن قلب‌ها را دارد، پس باید از سخنانمان مراقبت کنیم!
- (۳) استخوانی در زبان وجود ندارد، اما توانایی دارد قلب‌های دیگران را کاملاً بشکند، پس باید مراقب سخن‌گفتنمان باشیم!
- (۴) در هیچ زبانی استخوان نیست، ولی واقعاً می‌تواند قلب‌ها را بشکند، پس باید به خوبی از سخن‌گفتنمان مواظبت کنیم!

۲۳۳۸. «ما حدث حيرني كثيراً، كانت البومات تتغذى على فئران الحقل إضافة إلى الأفراخ!»:

- (۱) آنچه رخ داد، بسیار مرا شگفت زده کرد، جغدها از دو موش مزرعه و علاوه بر آن از جوجه‌ها، تغذیه می‌کنند!
- (۲) آنچه اتفاق افتاد، مرا بسیار متحیر کرد، جغدها علاوه بر جوجه‌ها، از موش‌های کشتزار تغذیه می‌کردند!
- (۳) تغذیه کردن جغدها از دو موش کشتزار و افزون بر آن جوجه‌ها، اتفاقی نبود که من را خیلی شگفت زده کند!
- (۴) از اتفاقی که افتاد، شگفت زده شدم، جغدها از موش‌های کشتزار و افزون بر آن جوجه‌ها تغذیه می‌کردند!

(خارج انسانی ۱۴۰۰)

۲۳۳۹. «بعض الطيور عندما تشعر بالخطر حولها تلجأ إلى الحيل التي تنقذ حياتها من الموت!»: ﴿كد پاسخ تصویری: ۰۱۷۰۵۸۷﴾

- (۱) عده‌ای از پرندگان هنگام احساس خطر، به چاره‌ای می‌اندیشند که زندگی‌شان را از مرگ نجات دهد!
- (۲) زمانی‌که تعدادی از پرندگان خطر را احساس کردند به چاره‌هایی پناه آوردند تا زندگی‌شان از مرگ نجات یابد!
- (۳) هرگاه برخی پرندگان پیرامون خود احساس خطر کنند چاره‌اندیشی می‌کنند تا زندگی خود را از مرگ نجات دهند!
- (۴) برخی پرندگان هنگامی‌که در اطراف خود احساس خطر می‌کنند به چاره‌اندیشی‌هایی که زندگی آن‌ها را از مرگ نجات می‌دهد، متوسل می‌شوند!



(خارج انسانی ۱۴۰۰)

۲۳۴۰. «لا فرق بين القَطِّ الأسود و القَطِّ الأبيض، القَطُّ يجب أن يقدر أن يصيد الفأر صيداً ليشبع بطنه!»: ﴿كد پاسخ تصویری: ۱۷۰۵۸۸﴾

- (۱) هیچ فرقی بین گربه سیاه و گربه سفید نیست، گربه باید بتواند حتماً موش بگیرد تا شکمش را سیر کند!
- (۲) فرقی بین گربه سفید و گربه سیاه اصلاً نیست، چه گربه باید قادر باشد موش بگیرد تا شکمش سیر شود!
- (۳) اصلاً فرقی بین گربه‌ای که سیاه باشد و گربه‌ای که سفید باشد وجود ندارد، حتماً گربه باید قادر باشد موشی بگیرد تا شکمش را سیر کند!
- (۴) فرقی بین گربه که سیاه باشد یا سفید باشد وجود ندارد، قطعاً گربه باید بتواند موشی بگیرد تا شکمش سیر شود!

۲۳۴۱. «ما أظلم من يقوم بنشاطات مُخرَبة تُؤدِّي إلى أن يختل توازن الطبيعة!»:

- (۱) هر کس به فعالیت‌های مخربی که به نامتعادل شدن طبیعت، منجر شود، بپردازد، چقدر ظالم است!
- (۲) چقدر ستمگر است کسی که به اقدامات تخریب‌گرایانه‌ای بپردازد که منجر شود تعادل طبیعت را مختل کند!
- (۳) کسی که به فعالیت‌های تخریب‌گرایانه‌ای بپردازد که منجر شود تعادل طبیعت مختل شود، چقدر ستمگر است!
- (۴) چقدر ظالم است هر کس که به فعالیت‌های مخرب اقدام کند و منجر به برهم زدن تعادل در طبیعت شود!

(خارج معارف ۹۸)

۲۳۴۲. «ما أكثر المُبيدات الزراعيّة، ولكنّ مُزارعنا لا يلاحظون مضراتها!»: ﴿كد پاسخ تصویری: ۹۸۱۷۰۵۸۹﴾

- (۱) حشره‌کش‌های کشاورزی با این‌که زیادند، اما کشاورزان ما ضررهایشان را نمی‌بینند!
- (۲) حشره‌کش‌های کشاورزی زیادند، ولی کشاورزانمان به ضررهای آن‌ها توجه نمی‌کنند!
- (۳) چه زیادند حشره‌کش‌های کشاورزی، اما کشاورزانمان به مضرات آن بی‌توجه هستند!
- (۴) چه بسیارند حشره‌کش‌های کشاورزی، ولی کشاورزان ما مضرات آن‌ها را ملاحظه نمی‌کنند!

(معارف ۱۴۰۲)

۲۳۴۳. «من الناس من يلتزمون بأداب الكلام التزاماً لا يُسبِّبون أذىً للآخرين!»:

- (۱) بعضی از مردم پایبندند که با آداب سخن بگویند تا باعث هیچ‌گونه آذینی برای دیگران نگردند!
- (۲) عده‌ای از مردم چنان پایبند به آداب سخن گفتن هستند که سبب هیچ آزاری برای دیگران نمی‌شوند!
- (۳) در میان مردم کسانی هستند که پایبند به رعایت آداب در کلامند و پایبندی آن‌ها سبب هیچ آزاری برای دیگران نمی‌شود!
- (۴) از میان مردم عده‌ای هستند که به گونه‌ای به آداب در سخن گفتن پایبندند که این پایبندی باعث هیچ آذینی برای دیگران نمی‌گردد!

۲۳۴۴. «هؤلاء الأطفال قد أجابوا عن أسئلة سألناها إجابةً الصادقين!»:

- (۱) این‌ها کودکانی‌اند که راستگویانه سؤال‌های ما را پاسخ داده‌اند!
- (۲) این کودکان به سؤالاتی که پرسیده بودیم، همچون راستگویان پاسخ داده‌اند!
- (۳) این بچه‌ها قطعاً با راستگویی به پرسش‌هایی که ما پرسیده‌ایم پاسخ می‌دهند!
- (۴) این بچه‌ها به سؤالاتی که پرسیده بودیم پاسخ دادند در حالی که راستگو هستند!

۲۳۴۵. «قلبُ المسلم كطائرٍ يَرْتَفِعُ في السَّمَاءِ التي ليس لها حدٌّ ارتفاعاً مُستمرّاً!»:

- (۱) قلب مسلمان، مثل پرنده است که او را در آسمان بی‌حد و مرز، به طور مستمر بالا می‌برد!
- (۲) دل مسلمان، به سان پرنده‌ای است که در آسمانی که حد و مرزی ندارد، بی‌دری بالا می‌رود!
- (۳) قلب مسلمان، همچون پرنده‌ایست که در آسمان بی‌حد و مرز، بی‌شک، به شکل مستمر ارتفاع می‌گیرد!
- (۴) دل مسلمان، همچون پرنده‌ایست که در آسمانی که حدی برای آن نیست، بی‌دری او را بالا می‌برد!

(Level Up)

۲۳۴۶. «لا يُتركُ الضديقُ بسببِ زِلَّةٍ أو غيبٍ فيه، لأننا لا نجدُ كاملاً إلا الله!»: دوست _____ ﴿كد پاسخ تصویری: ۱۷۰۴۰۵۹۰﴾

- (۱) نباید به خاطر لغزشی یا عیبی که در اوست، ترک شود؛ زیرا که ما فقط خداوند را کامل می‌یابیم!
- (۲) به خاطر لغزشی یا یک عیب در آن ترک نمی‌شود؛ زیرا که جز الله را کامل نمی‌یابیم!
- (۳) به سبب لغزش یا نقصش رها نمی‌گردد؛ چرا که کاملاً جز خداوند یافت نمی‌شود!
- (۴) نباید رها شود به سبب لغزش یا عیبی که دارد؛ زیرا که جز خداوند کسی را کامل پیدا نمی‌کنیم!

۲۳۴۷. «لحسنِ الحظِّ أدركَ الكثيرُ من البلدانِ أخطارَ التلوثِ البيئيِّ و يتَّخذُ الإجراءاتَ اللازمةَ لتقليلهِ!»: خوشبختانه _____

- (۱) بسیاری از کشورها خطرات آلودگی محیطی را درک کرده درحالی‌که برای کم شدن آن تصمیمات لازم را می‌گیرند!
- (۲) کشورهای بسیاری شروع به هشدار دادن در برابر خطرات ناشی از آلودگی هوا نموده و اقداماتی هم برای کاهش آن به اجرا می‌گذارند!
- (۳) بسیاری از کشورها خطرهای آلودگی زیستی را درک کرده و برای کاهش دادن آن اقدامات لازم را اتخاذ می‌کنند!
- (۴) بسیاری از کشورها، خطرات آلودگی محیط زیست را درک می‌کنند و برای کم کردن آن اقداماتی انجام می‌دهند!

۲۳۴۸. «إنشعب الأعداءُ مِن بلادنا خاسرينَ لأننا قدَّمنا شباباً أعزاءَ لِنَسْتَطِيعَ أن نَهْزِمَهُمْ فنطردُهم!»: دشمنان _____

- (۱) زیان‌دیده، از سرزمین ما عقب‌نشینی کردند، چون ما جوانانی عزیز را پیش فرستادیم، تا توانستیم آن‌ها را شکست دهیم و بیرون برانیم!
- (۲) زیان‌دیده عقب‌رانده شدند، چون ما جوان‌های عزیزمان را تقدیم نمودیم، تا بتوانیم آن‌ها را شکست داده و بیرون کنیم!
- (۳) بازنده، از کشورمان عقب‌نشینی کردند، زیرا که ما جوانانی عزیز را تقدیم کردیم، تا بتوانیم آن‌ها را شکست دهیم و بیرونشان برانیم!
- (۴) از سرزمین ما در حالی که زیان دیدند، عقب‌نشینی کردند، و ما جوانانی عزیز را تقدیم کردیم تا بتوانیم آن‌ها را شکست دهیم، سپس طرد کنیم!

۲۳۴۹. «نَحْنُ الْبَشَرِيَّةُ كَأَقْلَامِ الثَّلَوِيَّةِ قَدْ لَا يَكُونُ لَوْثُنَا مَحْبُوبًا وَ قَدْ لَا تُعْجِبُنَا أَلْوَانُ الْآخَرِينَ وَ لَكِنَّا سَنَحْتَاجُ إِلَى بَعْضِنَا بَعْضًا لِأَيِّكُمُ التَّكْمِلُ الزَّسْمُ!»: ما بشریت مثل

مدادهای رنگی هستیم

(۱) ممکن است رنگ ما دوست داشتنی نباشد و شاید از رنگ های دیگران خوشمان نیاید، لیکن برای اینکه نقاشی کامل شود، به همدیگر قطعاً نیاز خواهیم داشت!

(۲) که رنگمان محبوب نمی باشد و رنگ های دیگران ما را به وجد نمی آورد، اما به یکدیگر احتیاج خواهیم داشت تا نقاشی کامل شود!

(۳) که رنگ محبوبمان را پیدا نمی کنیم و گاهی از رنگ دیگران خوشمان نمی آید، لیکن عده ای از ما به عده ای دیگر نیاز خواهد داشت تا نقاشی کامل شود!

(۴) شاید رنگمان دوست داشتنی نباشد و گاهی از رنگ های دیگران خوشمان نمی آید، لیکن برای اینکه نقاشی کامل شود، به یکدیگر بسیار احتیاج خواهیم یافت!

۲. ترجمه چهار عبارتی

۲۳۵۰. عَيْنُ الْخَطَا:

(زبان ۹۸)

(۱) رَغِبْتُ فِي الصَّدَقِ رَغْبَةً كَثِيرَةً! تو به صداقت، بسیار تمایل پیدا کردی!

(۲) يَجَاهِدُ الْمُؤْمِنُ فِي اللَّهِ مُجَاهِدَةً! مؤمن (و نه کس دیگر) حتماً در راه خدا تلاش می کند!

(۳) يَتَوَكَّلُ صَدِيقِي عَلَى رَبِّهِ تَوَكَّلَ الْمُؤْمِنِينَ! دوستم بر پروردگارش توکل می کند همچون توکل مؤمنان!

(۴) يَبْلُغُ الْمُجْتَهِدُ أَمَالَهُ بَلُوغًا، وَ أَنَا كُلُّ يَوْمٍ أُمْتِنًا! انسان کوشا به آرزوهایش حتماً می رسد و من هر روز آرزوی آن را دارم!

۲۳۵۱. عَيْنُ الْخَطَا:

(خارج معارف ۱۴۰۳)

(۱) الظَّمْعُ يُدْخِلُكَ فِي مَهْلَكَةٍ تُضْرِكُ ضَرْأً! طمع تو را در هلاکت می اندازد و بسیار به تو ضرر می زند!

(۲) تَغَافَلُ عَنْ زَلَلِ النَّاسِ تُبْقِي الْمَرْءَ بَيْنَهُمْ: از لغزش مردم چشم پوشی کن تا جوان مردی را بین آن ها باقی بگذاری!

(۳) جَبْرَانٌ مَا يَفْقَدُ بِسَبَبِ السَّكُوتِ أَيْسَرُ مِمَّا قَدْ فَاتَ بِسَبَبِ الْكَلَامِ! جبران آنچه بر اثر سکوت از دست می رود آسان تر از چیزی است که به خاطر سخن گفتن از دست رفته است!

(۴) عِنْدَمَا بَدَأَتْ فَرْخَةُ الْعَصْفُورِ تَفْتَحُ فَمَهَا عَرَفَتِ الْأُمُّ أَنَّهَا تَشْعُرُ بِالْجُوعِ! هنگامی که جوجه گنجشک شروع به باز کردن دهان خود کرد مادر فهمید که او احساس گرسنگی می کند!

۲۳۵۲. عَيْنُ الْخَطَا:

(خارج معارف ۹۸)

(۱) بَدَأَ الْحَاكِمُ يَطُوفُ الْكَعْبَةَ وَ النَّاسَ مَزْدَحْمُونَ: حاکم شروع به طواف کعبه کرد در حالی که مردم ازدحام کرده بودند،

(۲) فَلَمْ يَقْدِرْ اسْتِلَامَ الْحَجَرِ لِأَنَّ النَّاسَ لَمْ يَعْرِفُوهُ مَعْرِفَةً: پس نتوانست «حجر» را مسح کند زیرا مردم واقعاً او را نشناخته بودند،

(۳) وَ عِنْدَمَا شَاهَدَ عَالِمًا يَسْتَلِمُهُ وَ النَّاسَ يُعَاوِنُونَهُ: و هنگامی که عالمی را دید که مردم به او کمک می کنند تا آن را مسح کند،

(۴) خَافَ خَوْفًا مِمَّنْ أَنْ يَرْغَبَ النَّاسُ إِلَى ذَلِكَ الْعَالَمِ! به شدت ترسید از اینکه مردم به آن عالم متمایل شوند!

۲۳۵۳. عَيْنُ الْخَطَا:

(۱) أَلَا وَإِنْ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيَّةٍ: آگاه باشید، و بی شک امام شما از دنیایش، به جامه کهنه اش بسنده کرده،

(۲) وَ مِنْ طَمَعِهِ بِفُرْصَةٍ، أَلَا وَانْكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ: و از خوراکش به دو قرص نان خود، آگاه باشید که قطعاً شما نمی توانید چنین کنید،

(۳) وَلَكِنْ أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عَقَّةٍ وَ سَدَادٍ: ولی مرا با پارسایی و تلاش، و پاکدامنی و درستی یاری کنید،

(۴) هَذَا نَصْرُ رَسُولِ الْإِمَامِ الْأَوَّلِ إِلَى أَحَدٍ عَامِلِيهِ: این متن نامه امام اول به یکی از استاندارانش است!

۲۳۵۴. عَيْنُ الْخَطَا:

(انسانی ۱۴۰۱)

«کد پاسخ تصویری: ۰۱۱۲۰۵۹۱»

(۱) أَوْلَادُ الْأَمْطَارِ لَا تُصْبِحُ حَمِضِيَّةً إِلَّا بِنَلَوْتِ الْهَوَاءِ! فرزندانم! باران ها فقط با آلودگی هوا اسیدی می شوند!

(۲) أَوْلَادُ الْإِخْتِلَالِ فِي الطَّبِيعَةِ يُؤَدِّي إِلَى تَخْرِيبِهَا، وَ هَذَا خَطَرُ! فرزندان! اختلال در طبیعت منجر به تخریب آن می شود، و این خطر است!

(۳) أَوْلَادُ لَا تُهْدَدُوا نِظَامَ الطَّبِيعَةِ بِكثرةِ اسْتِخْدَامِ الْأَسْمَدَةِ الْكِيمِيَاوِيَّةِ! فرزندان! نظام طبیعت را با زیاد به کار بردن کودهای شیمیایی تهدید نکنید!

(۴) أَوْلَادُ! إِنْ تَكُونُوا خَيْرِينَ تَجِدُوا رَوَابِطَ مِتَدَاخِلَةً بَيْنَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ! فرزندان من! اگر آگاه باشید می فهمید که روابط بین موجودات زنده پیچیده است!

۲۳۵۵. عَيْنُ الْخَطَا:

(۱) طَرَدْنَا الْمُعْتَدِينَ عَلَى بِلَادِنَا طَرْدًا فَانْسَحَبُوا! متجاوزان به کشورمان را به گونه ای راندید که عقب نشینی کردند!

(۲) قَدْ يُمْكِنُ لِلْمَرْءِ الْعَيْشَ بِإِبْصَرٍ لَكِنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْعَيْشِ بِأَمَلٍ! گاهی برای انسان امکان دارد که بدون بینایی زندگی کند، اما نمی تواند بدون آرزو زندگی کند!

(۳) لَا شَكَّ أَنَّ كُلَّ عَسِيرٍ يَصْبِحُ يَسِيرًا بِالِاسْتِعَانَةِ بِاللَّهِ! بی شک هر سختی با یاری خواستن از الله آسان می شود!

(۴) الْمُتَشَانِمُ يَشْكُو مِنَ الرِّيحِ وَ الْمُتَفَانِلُ يَنْتَظِرُ تَغْيِيرَ الْمَسِيرِ! بدبین از باد شکوه می کند در حالی که خوش بین انتظار تغییر مسیر را می کشد!

۲۳۵۶. عَيْنُ الضَّحِيح:

(خارج انسانی ۹۸)

«کد پاسخ تصویری: ۰۹۸۱۲۰۵۹۲»

(۱) إِنْ تَجَلَسُوا فِي الضَّفِّ هَادِئِينَ: اگر آرام در کلاس بنشینید،

(۲) وَ تَسْتَمِعُوا إِلَى كَلَامِي إِسْتِمَاعًا: و سخنانم را به خوبی بشنوید،

(۳) سَأَقْرَأُ لَكُمْ بَعْضَ الْآيَاتِ: بعضی آیات را برایتان می خوانم،

(۴) لَا تَأْخُذُونَ مِنْهَا إِلَّا الْعَبْرَةَ الْمُؤَثِّرَةَ! که از آن ها عبرت های تأثیرگذار می گیرید!

۲۳۶۷. «شهروند با فهم نسبت به نظافت محیط زیست شدیداً اهتمام می‌ورزد!» عین‌الصحيح: ﴿كِدَ بِاسْخِ تَصْوِيرِي: ۵۹۶-۵۹۷﴾ (انسانی اردیبهشت ۱۴۰۳)

- (۱) بهتّم کلّ المواطنين بنظافة البيئة اهتماماً كبيراً!
- (۲) بهتّم المواطنُ الفهم بنظافة البيئة اهتماماً بالغاً!
- (۳) المواطن ذو اهتمام كثير بنظافة البيئة إذا كان فهِماً!
- (۴) کلّ المواطنين بهتّمون بنظافة البيئة إذا كانوا أصحاب الفهم!

۲۳۶۸. «این کودکان می‌خواستند مادران زمان بیشتری نزدشان بمانند!»:

- (۱) هؤلاء أطفال كانوا يريدون أن يبقين الأمهات لديهنّ زماناً أطول!
- (۲) كان هؤلاء الأطفال يُريدون أن تبقى الأمهات لديهم وقتاً أكثر!
- (۳) هؤلاء أبناء يريدون أن تُمضي الوالدات عندهم أكثر زمن!
- (۴) كان هذا الصغار يريدون أن تُقِفّ الوالدات عندهم أطول مدّة!

(تجربی ۱۴۰۱)

۲۳۶۹. «در زندگی این ادیب، با وجود شرایط دشوارش، به جز فعالیتِ نمی‌بینیم!»:

- (۱) لا تُشاهد إلّا التّشاط في حياة الأديب، على رغم الظروف القاسية!
- (۲) لم تُشاهد إلّا الإجهاد، مع وجود ظروفه القاسية في حياة الأديب!
- (۳) لا تُشاهد في حياة هذا الأديب إلّا التّشاط، على رغم ظروفه القاسية!
- (۴) لم نشاهد في حياة هذا الأديب، مع وجود الظروف القاسية إلّا الإجهاد!

۲۳۷۰. «در کلاس آیاتی از قرآن را به زیبایی خواندم!»: في الصّف

- (۱) قرأت آیات القرآن قراءة جميلة!
- (۲) قرأت آیات من القرآن قراءة جميلة!
- (۳) قرأت آیات من القرآن قراءة جميلاً!
- (۴) قرأت آیات من القرآن بصوت جميل!

۲۳۷۱. «ماه‌ها بعد کشاورز مشاهده کرد که سبزیجات در مزرعه در معرض خورده شدن و تلف‌گشتن قرار می‌گیرد!» عین‌الصحيح: ﴿كِدَ بِاسْخِ تَصْوِيرِي: ۵۹۷-۵۹۸﴾ (خارج انسانی ۱۴۰۲)

- (۱) بعد شهور شاهد المزارع أنّ الخضراوات بالمزرعة تتعرض للأكل والتلف!
- (۲) بعد أشهر رأى الفلاح أنّ خضراوات المزرعة تتعرض للأكل والإتلاف!
- (۳) بعد كم شهر شاهد الفلاح أنّ الخضراوات و هي في المزرعة قد أكلت وتلفت!
- (۴) بعد بضعة أشهر رأى المزارع في داخل المزرعة أنّ الخضراوات قد أكلت وتلفت!

۲۳۷۲. «انگور برزلی درختی است که میوه‌های آن بر تنه درخت می‌روید و از مهم‌ترین خصوصیات آن اینست که در طول سال میوه می‌دهد!» عین‌الصحيح: (معارف ۱۴۰۱)

- (۱) عنب البرازيل شجرة أثمارها تنمو على الجذع، و الموصافات المهمة لها أنّها تثمر طول السنة!
- (۲) العنب البرازيلي شجرة تنمو أثمارها على جذعها، و من أهمّ موصافاتها أنّها تعطي أثماراً طول السنة!
- (۳) عنب البرازيلي هو شجرة تنمو الأثمار لها على جذوعها، و من الموصافات المهمة لها أنّها تعطي الأثمار طول السنة!
- (۴) العنب البرازيلي شجرة أنّي تنمو ثمارها على جذوعها، و أهمّ الموصافات فيها أنّها تعطي أثمارها طول السنة!

(معارف ۱۴۰۲)

۲۳۷۳. «در شهرهای بزرگ آلودگی هوا و بالا رفتن درجه حرارت آن سبب کاهش باریدن برف و باران شده است!»:

- (۱) إنّ تلوث الهواء و زيادة درجة الحرارة في المدن الكبيرة سبب نقصان في المطر و الثلج!
- (۲) تلوث الهواء في المدن الكبيرة و ازدياد درجة حرارته، قد سبباً قلّة نزول الأمطار و الثلوج!
- (۳) تلوث الجو و ارتفاع درجة حرارته يسبب قلّة في نزول الثلوج و الأمطار في البلاد الكبيرة!
- (۴) إنّ التلوث في الجو و ارتفاع الدّرجة للحرارة قد يسبب نقص الثلج و المطر في المدن الكبيرة!

۲۳۷۴. «رنگ چهره مادرم صبح امروز قطعاً تغییر کرد!»:

- (۱) غَيَّر لون وجه أمي صباح اليوم تغييراً!
- (۲) غَيَّر لون وجه والدتي صباح اليوم تَغْييراً!
- (۳) إنّ لون وجه أمي في صباح اليوم تَغْيِرت!
- (۴) غَيَّر لون وجه والدتي صباح اليوم تغييراً!

مفهوم (۷ تست)



۲۳۷۵. «لا يترك الصديق بسبب زلة أو عيب فيه لأنه لا يوجد أحد كامل إلا الله!»: لا يكون مفهوم العبارة:

- (۱) من طلب أخاً بلا عيب بقي بلا أخ!
- (۲) كفى للإنسان أن تُعدّ معاييه!
- (۳) من يبحث عن الصديق الخالي عن العيوب فلا بُدّ أن يفشل!
- (۴) قلّ لي مَنْ تُعاشِر أقلّ لك من أنت؟

۲۳۷۶. ﴿هذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه﴾ ليس الغرض من الآية:

- (۱) لا يكون قادراً على الخلق إلّا الرّبّ الواحد!
- (۲) ما تعدّونه ألّهتكم، ليسوا قادرين على إنشاء شيء!
- (۳) چه چیز آفریدند و کردند بود / از ایشان چه چیز آمد اندر وجود!
- (۴) أروني خالقكم لأعرف ما خلق لكم بدلي!

(ریاضی ۱۴۰۱)

۲۳۷۷. عین‌الصحيح عن ما يعادل المفهوم: «من طلب أخاً بلا عيب بقي بلا أخ!»:

- (۱) لا يُدَمُّ المرء بذنب أخيه!
- (۲) المُجَالَسَة مؤثّرة في خلق الإنسان!
- (۳) إذا تَخَتَّر الوحدة خيرٌ من اختيار الشر!
- (۴) إله متردّد في انتخاب الصديق فبقی وحيداً!